

راه توده

تشریح و اداران حزب توده ایران در طرح از کشور

جمعه ۱ مهر ۱۳۶۲ مطابق ۱۰ ذالحجه ۱۴۰۳ و ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۳
شماره دوم، شماره ۶۰
پهلو: ۴۰۰ سال

قربانی کردن توده‌ایها، «راه حل» مسائل ودشواریهای انقلاب نیست!

اکنون بیش از ۷ ماه است که ولع مازهای جنبر زده بر این وان کتف جمهوری اسلامی از خون و زندگی توده‌ایها، فرو نشاند می‌شود

در روز شنبه ۵ شهریور ماه، مردم محروم و زحمتکش ما، به تماشای نمایشی بدیع، دست پخت ساواک و ساواجا و سیا و ایستلیجنت سرویس فراخوانده شدند، تا یکبار دیگر طاعت نبود آب، نان، برنج، پیاز، خاموشی‌های مکرر، گرانسی سرسام آور، احتکار، بی‌سرنوشتی شهرنشینان، آوارگی روسپاتیان، تقشیش عقاید، اعمال سانسور، خفه کردن هر ندای حق، طلبانه و گشت‌هایی که بر سر هر کوی و برزن، کوچکترین حیوانات آنان را زیر نظر می‌گیرد، بشنوند!

منادیان و مدافعان پیشین شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پسود، مستضعفین، امروز در نقش جارچیان ضابطین دستگاه قضایی - امنیتی جمهوری اسلامی، در بلندگوهای نماز جمعه، حنجره می‌درند، که: «مردم آسوده بخوابید، شهر در امن و امان است! جز چند «جانسوز» و «توطئه‌گر» که «امورات کشور را فلج کرده بودند» و اجزای هر برنامه‌ای را که» ما برای مستضعفین داشتیم غیر ممکن ساخته بودند، «نفس کشد یگری باقی نمانده، همه را دستگیر

بقیه در صفحه ۲

شعر همراه

سیاوش کسرائی - خرداد ۱۳۶۲

در صفحه ۲

باید به جنگ غیر ضروری پایان داده شود!

در روزهایی که ناقوس مرگ و تخریب جنگ سه ساله عراق و ایران بصدای می‌آید، مسئولان جمهوری اسلامی ایران به مردم وعده پایان جنگ را در سال چهارم آن می‌دهند!

این وعده‌های توخالی برای اولین بار نیست، که تکرار می‌گردد. چندی پیش نیز اعلام کردند که پایان جنگ قریب الوقوع است! ولی واقعیت و عمل آنها چیز دیگری را می‌آموزد.

جنگ ضد انقلابی و امپریالیستی ای که سه سال پیش بدست صدام علیه انقلاب ما براه افتاد، اگر چه خیلی زود در مقابل فداکاری و ایثار توده‌های میلیونی زحمتکشان، جوانان و زنان میهن ما و در کنارشان توده‌های فداانی‌ها (اکثریت) و سایر دگراندیشان ضد امپریالیست با شکست روبرو شد و به اهداف سیاسی و نظامی خود دست نیافت، ولی توانست به اهرم عمده تحکیم و تقویت نیروهای راستگرا در حاکمیت ج ۱۰۱۰ تبدیل شود و به قبضه کردن و مستحکام حاکمیت به نفع اهداف ضد ملی و ضد خلقی ارتجاع راستگرا کمک کند، ارتجاع را بر میهن ما حاکم سازد و راه بازگشت امپریالیسم را هموار کند.

اکنون این جنگ غیر ضروری می‌رود در منطقه همان نقشی را ایفا کند، که در میهن ما و در کشور عراق انجام داد: کمک به ارتجاع و تقویت آن!

جنگ توسعه طلبانه در خدمت منافع جهانی امپریالیسم

اگر امپریالیست‌های فرانسوی پادست و دل باز به تقویت نظامی رژیم صدام ادامه می -
بقیه در صفحه ۱۰

نه! آقای رئیس جمهور! «مردم ما پیادگان بی اراده یک شطرنج بوج نیستند!»

حکم سراسر «مردم ستیزانه»، «با کوهی» دلیل و مدرک و روایت و رأیت اسلامی، «با به میدان برگزاری نماز جمعه، این «آئین سیاسی - مبادی و دشمن شکنانه» گذاشت و در آغاز کلام سخن در خطبه اول - خود، «انبوه مردم همیشه در صحنه» را دشمن خواند و بی‌پرده خاطر نشان ساخت:

سرانجام، در آخرین روزهای داغ تابستان، «بج» مردم دوستی، حاکمیت جمهوری اسلامی، آب شد و آقای حجت الاسلام خامنه‌ای، به عنوان رئیس جمهور و امام جمعه، تهران اعلام کرد:

«حاکم اسلامی، وقتی از مردم چیزی می‌خواهد، به مردم امر می‌کند، مردم باید اطاعت کنند!» (اطلاعات، ۱۲ شهریور)

حجت الاسلام خامنه‌ای، برای تزریق و تحمیل این

بقیه در صفحه ۴

همبستگی دمکراتها و کمونیست‌های یونان با حزب توده ایران

در صفحه ۳

نظری بر سیر ارزیابیهای حزب توده ایران از جنگ ایران و عراق

منابع عظیم اقتصادی و ملدی دو کشور را ویران نموده است.

این جنگ که در چار چوب توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب شکوهمند میهن و بر طبق منافع و بیه تحریک آمریکا، توسط صدام آغاز گردید، تا کنون دارای مراحل مختلفی بوده است.

وقایع ۲ ساله جنگ و نتایجی که تا کنون بیار آمده،
بقیه در صفحه ۸

اکنون ۳ سال از آغاز درگیری میان ایران و عراق که با تجاوز نظامی رژیم مزدور بعثی عراق به میهن ما، آغاز گشت، می‌گذرد.

طی این جنگ و تا کنون حدود ۳۰۰ هزار نفر از سربازان و افسران ایرانی و عراقی کشته و بیش از این تعداد نیز زخمی و معلول شده‌اند. این جنگ همچنین محصول سالها تلاش و زحمت زحمتکشان ایران و عراق را به پساداده و

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

قربانی کردن توده‌ایها، "راه حل" مسائل و دشواریهای انقلاب نیست!

بقیه از صفحه ۱

اما چشمهای تیز بین و ذهن آگاه مردم ما، از پس این دود تیره و انبوه - که از سوختن گوشت و پوست توده‌ایها، فدائی‌ها و سایر دگراندیشان ضد امپریالیست بر می‌خیزد - سحر را از شب باز می‌شناسد.

مردم ما، در روزهای انقلاب، هستی خود را به میان ننهاده‌اند تا امروز در برابر امپریالیسم زانو بزنند. آنها بزرگ مالکان و کلان سرمایه - داران را از کشور و " مناصب دولتی " تراندند، که امروز به استقبال " شان بشتابند؛ آنها شکنجه‌گاهها و فراموشخانه‌های طوفان را، با دستهای خالی خود ویران ساختند تا امروز پشت در " کمیته‌های مشترک " و " بندهای ۳۰۰۰ " به انتظار گرفتن خبری - هر چند کوتاه - از عزیزانشان، این مبارزین راستین استقلال و آزادی، روز را به شب و شب را به صبح برسانند.

آنان می‌دانند، گلوله‌های سربینی که قلب تپنده " مدافعین راه مردم را متلاشی می‌کند، بذرهای نیستی که درون زمین‌های رها شده " روستا، بنشیند و قوت شب‌شان را تأمین کند.

آنان می‌دانند، ساطورهای برای که دست و پای شیفتگان خلق را قطع می‌کند، داسهایی نیست که خوشه‌های گندم را درو کند و نشان روزانه‌شان را فراهم سازد.

آنان می‌دانند که هیچیک از این شعبده بازی‌ها، آب، برق، پیاز، خانه، کار، زمین و ... نمی‌شود! آنان می‌دانند و خوشت راستگرایان و تسلیح طلبان نیز بدانند، که حزب توده " ایران، حتی لحظه‌ای از پیکار با دشمنان مردم و انقلاب و در راه مردم و انقلاب باز نمی‌ایستد. ما این سنگلاخ آفشته به لخته‌های خون هزاران توده‌ای را، با تکیه برصای ایمان و مشی اصولی خود، می‌پیمائیم. زیرا در آئین ما، ایستادن، نفس زدنکی و زانو زدن، خود مرگ است! و چه کسی است که در این گزینش روشن - بین مرگ و زندگی - ذره‌ای تردید به خود راه دهد؟! رسالتی که تاریخ برعهده " ما نهاده، بی‌بهره و کشیدن نور و نیرو، از ژرفای تاریکی است.

آری، این قافله هرگز به شب نمی‌رسد!

هم از این روست که حزب توده " ایران از همه " نیروهای مترقی و انقلابی ایران، با هر گرایش سیاسی و عقیدتی انتظار دارد که با همه توان و با بهره گیری از تمامی وسایل و ابزار، شهادت مدنی، دفاع از انقلاب، دفاع از زندانیان سیاسی ضد امپریالیست، دفاع از حزب طبقه " کارگر ایران، مدافع پی گیر راه استقلال و آزادی ایران را در دستور میرم، ترین وظایف روز خود قرار دهند و با یاری به تشکیل جبهه متحد خلق، پیروزی نهایی و اجرای آماج های اصلی انقلاب را تضمین کنند.

رفیق را در گورستانی دور و متروک به دل برد در زمین سپردند تا بار دیگر جان پاکي را که بسرای بهروزی مردمش فدا شده بود، در آغوش گیرد. ... و هنوز حاکمیت جمهوری اسلامی، در تدارک این است که برای ارتجاع بیرحم، قربانیان دیگری جستجو کند. چرا؟! - برای اینکه " توصیه‌های برژینسکی " را بی‌کم و کاست، به اجرا در آورند. - برای اینکه نشست کنفرانس ویلیامز بزرگ را بی - " چراغ " نگذارند. - برای اینکه راه رفته به سوی امپریالیسم را، بی - مانع و رادع سپری کنند. - برای اینکه روح سلوکی کود تاگر را شاد کنند و

کردیم و از همه " اعتراف " گرفتیم ... می‌گوئید: نه؟! وند " ما در کشتارگاه اوین ۱۰ بند ۳۰۰۰ " اکنون، بیش از ۷ ماه است که استخوانهای توده‌ایها را در فراموشخانه‌های جمهوری اسلامی در هم می‌سایند ... عصاره " آن چراغ امپریالیسم را روشن نگه‌دارند اکنون، بیش از ۷ ماه است که نسلی به‌حاصل از خرد و افتخار را به دستهای مرگ آور " مردانی " کینه توز، با مغزهایی پوک و قلبی مملو از نفرت و دشمنی - نسبت به مدافعان واقعی انقلاب - سپرده‌اند تا با اعمال شکنجه‌های جسمی و روانی، استفاده از کابل، سوزن‌ان و شوک الکتریکی، هر يك را به " اعترافات " مورد پسند حاکمیت جمهوری اسلامی، وا دارند.

اکنون، بیش از ۷ ماه است که ولج‌مارهای جنبر زده بر این و آن کتف ارتجاع، با خسون و زندگی توده‌ای‌های دریند فرونشاند می‌شود و هنوز دست‌اندرکاران حاکمیت برای اطفاء اشتهای سیری ناپذیر آنها، در پی شکار قربانی های دیگراند: ۷ ماه شکنجه و شلاق و شکستن دست و پا و سوزاندن گوشت و پوست توده‌ایها، فدائی‌ها و دیگر دگراندیشان ضد امپریالیست ... اینست معنای " عطوفت اسلامی " ادعایی " حاکمان اسلام "!

رفیق شهید، حسن حسین پور تبریزی، که خود چون قشونی، ۶۰ سال زندگی پاک و سراسر کار و پیکار خود را در راه احقاق حق و زحمتکشان میهنش صرف کرد، در زیر تیغ برنده " همیمن " عطوفت " شهید شد. پزشکانی که در آخرین لحظات، برای مداوای پیکر مد هوش و تکیده و نزار او به بالینش فراخوانده شدند، کاری از پیش نبردند: علم هم نتوانست قلب درد کشیده و سوراخ سوراخ شده " او را، قلبی که از نیش سوزنهای درخیمان بند ۳۰۰۰، مجرم و بی‌خون شده بود، به تیش دوباره بازگرداند.

رفیق شهید گانگیک آوانسیان، این تندیس پهلوانی، که در اثر شکنجه‌های وحشیانه درخیمان دست آموز سیا و اینتلیجنت سرویس، به گوشت و پوستی بدل شده بود، با همین نوازش‌های " عطوفت آمیز " به ابدیت پیوست.

رفیق شهید علی ریاحی دهکردی، جوان بیست و چند ساله‌ای که از ساله " قهرمانان توده‌ای، پهلوانی دل و اندیشه را، یکجا به ارث برده بود، نیز یذ بیگونه عمر پر فرور و افتخار آفرین خود را بی پایان برد. جسد او را با دستهای شکسته و میان پاهای سوخته، برای دفن به گورستان شهر بردند. اما اعمال همان کسانی که مرگ زود رس، در سر راه بهار زندگی، نشانده، از صد و ر جواز دفن سر پلرز زدند و ناگزیر پیکر مجاله شده

همراه

**باز هنگامه نام و تنگ است
راه پرما تنگ است.**

**یک نفر می‌آید،
یک نفر می‌شکند،
می‌گیرند یک تن،
یک نفر اما، با پرچم جان
می‌ماند**

**یک نفر هست که باز
نغمه خونین را
در تمام شب ما می‌خواند.**

**عمر من
گرچه کوتاهتر از آه من است
هم درین نیم نفس
آنکه می‌ماند و می‌خواند
همراه من است.**

سیاوش کسرائی - خرداد ۱۳۶۲

کار نیمه تمام او را به پایان برند. - کسی که با " شهادت " در دادگاه اعلام کرد: " ما می - خواستیم دو ساعت قبل از کودتا، همه " اعضای حزب توده " ایران را دستگیر کنیم. " - برای اینکه محلی برای عرض اندام لیبرالهای آمریکایی فراهم سازند. - برای اینکه روی تمامی زد و بندها، بی‌برناگی ها، ناپسامانیهها و اهمال کاریهای خود، سر - پوش گذارند. - و برای، اینکه شرف، شجاعت و حرمت انسانی را پایمال کنند، فرهنگ و دانش و ایمان را سرکوب کنند.

همبستگی دمکراتها و کمونیستهای یونان با حزب توده ایران در جشنواره های باشکوه جوانان کمونیست یونان

آتن

نهمین جشنواره نشریه ادیگس ارگان سازمان جوانان کمونیست یونان که از ۸ تا ۱۱ سپتامبر در شهر آتن برگزار شد. در این جشن بیش از یک میلیون نفر از کمونیستها و دمکرات های یونان شرکت کردند.

سازمان جوانان توده ایران نیز، بنایسه دعوت رسمی جوانان کمونیست یونان، در این جشنواره شرکت نمود. از طرف سازمان جوانان توده ایران جمعیت کنیری یازد یک کسره، از نشریات حزب به زبان یونانی استقبال بعمل آوردند و همبستگی خود را با زندانیان توده های و سایر دمکراتهایی که در زندانهای جمهوری اسلامی ایران بسر می برد اعلام داشتند. آنها با امضا نامه اعتراضی سرگشاده و ارسال آن به مقامات جمهوری اسلامی ایران، ضمن محکوم کردن اعمال شکنجه دربارۀ زندانیان، خواستار آزادی فوری رفقای دربند شدند.

سازمان جوانان توده ایران، همچنین طی پیامی به جوانان کمونیست یونان، ضمن ابراز همبستگی با مبارزات ضد امپریلیستی مردم یونان نقش فعال جوانان کمونیست یونان را در بسط

جنبش صلح خواهانه و دمکراتیک مردم یونان ستود و خواستار همبستگی هر چه بیشتر کمونیست های یونان با مبارزین توده های آنها در بند و همچنین سایر دمکراتهای ایران، که برای نجات انقلاب ایران مبارزه می کنند، گشت.

در جلسه وسیعی که از طرف کمیته یونانی برای همبستگی با زندانیان در این جشنواره تشکیل شده، نماینده سازمان جوانان توده ایران نیز شرکت کرد. وی ضمن بیان شمعای از روشهای شکنجه های اعمال شده برای کسب "آقای سر" از زندانیان، به سوالات حاضرین درباره مسائل انقلاب ایران پاسخ داد. این جلسه با شعار های مبنی بر همبستگی با زندانیان توده های و خواست قطع شکنجه و آزادی آنها پایان یافت.

سالونیک

از تاریخ ۱ تا ۴ سپتامبر (۱۰ تا ۱۳ شهریور) نهمین جشنواره جوانان کمونیست یونان در شهر سالونیک برگزار گردید.

مردم شهر با رجوع به غرفه حزب توده ایران و با امضا اعتراضنامه، همبستگی خود را با توده های یونان در بند و سایر نیروهای طرفدار انقلاب اعلام کردند. از طرف نماینده سازمان جوانان

توده ایران پیامی خوانده شد که بخشی از آن را در اینجا درج می کنیم:

"۰۰۰ این روزها، که عال امپریالیسم و ارتجاع داخلی به کمک سازمانهای جنمی سیا، انتلیجنت سرویس، مساد و ساواک دست بردست هم، کمپه نابودی بهترین و مبارزترین فرزندان خلق ایران بستاند، لزوم همبستگی شما جوانان کمونیست و همه نیروهای پیشرو و دمکرات جهان بیش از پیش احساس می شود. ۰۰۰ پایسدار یاد همبستگی بین المللی با حزب توده ایران، متن زیر، که به همت هواداران حزب توده ایران در یونان انتشار یافت، به امضای بیش از ۶۰۰۰ نفر از مردم مبارز یونان رسیده است:

" ما امضا کنندگان این اعتراضنامه، ضمن ابراز باثناچار خود نسبت به دستگیری رهبران، اعضا و هواداران حزب توده ایران از طرف حاکمیت جمهوری اسلامی، از مقامات چ ۱۰ می طلبیم که به هیأتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان متخصص و بی طرف بین المللی جهت باز دید از زندانیان توده های و بررسی شکنجه های اعمال شده در حق آنان و چگونگی دریافت "آقای سر"، اجازه ورود به ایران را بدهند."

ریزوسپاستیس:

همبستگی بین المللی با توده ایهای در بند و وظیفه ای است فوری

روز سه شنبه ۱۳/۹/۸۳ (۲۲ شهریور) در روزنامه ریزوسپاستیس، ارگان مرکزی حزب کمونیست یونان، این خبر درج شده است:

اعتراضنامه ای از طرف سازمان جوانان کمو نیست یونان در شهر بندری پیرا در رابطه با یورش حاکمیت جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، تسلیم سفارت ایران در آتن شد. نمایندگان سازمان، که اعتراضنامه را تسلیم سفارت کرده بودند، خواستار آزادی زندانیان توده های و متوقف کردن پیگرد رهبران، اعضا و هوادان حزب توده ایران شدند.

همچنین اعتراضنامه دیگری نیز با امضای بیشماری از طرف مردم یونان تسلیم سفارت ایران در آتن شد. سفارت جمهوری اسلامی، که هیچ گونه پاسخ و توجیهی برای جنایات دولست متوجش نداشت، اعتراضنامه فوق را با ضمیمه کردن یادداشتی، مبنی بر اینکه در ششون داخلی ایران دخالت نکنند، پس فرستاده است.

در روزنامه ریزوسپاستیس به تاریخ ۸۳/۹/۵ (۲۴ شهریور)، مقاله ای تحت عنوان "آزادی کمونیست های ایران و وظیفه ای است فوری آمده است:

"اعتراض و نگرانی توده های مردم به قانون شکنی ها و اقدامات ضد مردمی راستگرایان و عمال امپریالیسم، که حاکمیت را قبضه کرده اند، روز به روز شد یدتر می شود.

امروز بیشتر از هر زمان دیگر ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق از تمام میهن پرستان و انسانهای دمکرات و پیشرو ایران - با هر مرام و مسلکی - در برابر ارتجاع داخلی و خارجی و ضد انقلاب احساس می شود. انقلاب ایران، که خطر نابودی آن را تهدید می کند، احتیاج مبرم به تنها راه حل (یعنی تشکیل جبهه متحد خلق) برای نجات خود دارد.

همچنین در مقاله آمده است:

" پولدارها پولدارتر و فقرا فقیرتر میشوند. رژیم جمهوری اسلامی، که اکنون در بحران فرسود

رفته است، دست به از بین بردن تمام قوانین و اصلاحاتی زده است که به نفع زحمتکشان و تسی دستان جامعه است. اقدام دیگر مقامات جمهوری اسلامی برقرار کردن رابطه مجدد با انحصارات بین المللی و امپریالیسم جهانی است. روزنامه تحت عنوان "هم جهت شدن با امپریالیسم" می نویسد:

"راه سومی که سردمداران جمهوری اسلامی در پی آن بودند، مانع از آن نشده که آنها با امپریالیسم همسو نشوند و این بطور واضح در تصمیمات سران کشورهای سرمایه داری در ویلیامز بزرگ منعکس شده است: استقبال گرم آنها از برقراری مجدد ارتباط با ایران!

همچنین رابطه های پنهانی آمریکا از طریق یک کشور ثالث با ایران دلیل بارز این همجهت بودن است.

با توجه به عوامل یاد شده، یورش به حزب توده ایران، که مخالف سرسخت امپریالیسم

بقیه در صفحه ۱۱

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

نه! آقای رئیس جمهور!

”مردم ما پیادگان بی اراده یک شطرنج پوچ نیستند!“

بقیه از صفحه ۱

۰۰۰ اگر قرار باشد که مردم موظف نباشند از نظر شرعی که این قوانین را عمل بکنند و برای مردم لازم نباشد که گوش بزنند این باشند، ببینند دولت اسلامی و حکومت اسلامی از آنها چه می خواهد، آنرا برای او انجام بدهند ۰۰۰ (آنها را) خواهیم شکست .
همیشه ، بد بنگونه بوده است .

وقتی دلیل ، ظلم است ، باید به زور مسئله را حل کرد .

وقتی قدرت و خواست اقدامات اساسی به سود مردم ، در میان نباشد باید ” امر ” و ” حکم ” و ” دستور ” را به قطب نهای عمل بدل ساخت .
سوقتی نتوان و نیت این نباشد که دنیا را برای مجرمان قابل زیست ساخت ، چه بهتر که بر روی ” دوزخ ” آنها ، برای خود ” بهشت ” دست و پا کرد

در واقع ، اعلام چنین حکمی در شهرستان اختناق و سرکوب و شکنجه و میدان داری راست - گرایان و پرچمداری تسلیم طلبان بعید نیست .
تسلیم طلبان کسه - علاوه بر عقب نشینی در برابر هجوم آسارگسیخته نمایندگان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و قشریون و تن به سازش دادن با آنها ، در تار و پود نافرستی و دست و پاگیر توهم وندام کاری در عین خدمت به تحکیم پایه های نظام غارتگر سرمایه داری - و چشم بندی ” های خود نیز گرفتارند ، برای سرپوش گذاشتن بر عمل واقعی بحرانی ، که چون زلزله ، زمین زیر پایشان را به لرزه در آورده ، انگشت اتهام را به سوی مردم نشانه می گیرند و گناه تمامی ناپسامانها ، مشکلات دوار بر انگیز و تضاد هایی که در اثر عدم توجه به ضرورت های مبرم انقلاب ، حادث شده ، به پای زخم دیده مردم گره می زنند و به آنان امر می کنند : ” هرج و مرج و بلبشو ” راه نیندازند . چرا ؟! چون ” بقینا هرج و مرج و بلبشو ، بر خلاف نظر اسلام است ! ”
حجت الاسلام خامنه ای ، در این بشکوه

قطران توهین و تحقیر و تحکم ، چمچهای عمل ” مردم خواهی ” نیز اضافه می کند و خطبه های نهج البلاغه و کلام علی بن ابیطالب را شاهد و مثال می آورد و می گوید :

” علی بن ابیطالب می فرماید آنوقتی که با من رویو می شوید ، آنچه را که مویی خیر - خواهی است به من بگوئید ، مرا نصیحت کنید . اگر عیبی دارم بازگوئید ”

حاکمیت جمهوری اسلامی ، اگر همان اندازه که از قدرت آمریست و تحکم برخوردار است ، از قدرت حافظه هم فیضی می داشت ، بی شیمه بیاد می آورد که چندی پیش ، خود و هم - کیشان شان به مردم و نمایندگان آنان - که همین ” عیب ” ها را بازگو می کردند - دستورات دادند : ” شما به جای خودتان بنشینید . آنقدر

توطئه نکنید . آنقدر تضعیف نکنید جمهوری اسلامی را ” (اطلاعات ، ۲ خرداد) .
آقای حجت الاسلام خامنه ای ، که برای بسال رفتن از صخره ” بلند این ادعا - ادعای رعایت نظر مردم - بهرسمان ” سخن - ردازی ” متوسل می شود ، خیل - سی زود دست خود را به باز می کند و ماهیت ادعای رعایت نظر مردم را عیان می سازد . وی در چند سطر پائین تر ، همین خطبه به صراحت اعلام می کند :

” یک نکته اینست که مردم باید بدانند ، در همانجائی که قانون دولتی جمهوری اسلامی به خلاف عمل آنها و حتی بر خلاف صلحت شخصی آنهاست ، در همان جا هم ، آن قانون بر طبق صلحت عامه ” مسلم آنهاست ! ”
و با این جملات او و همفکرانش آب پاکی روی دست مردم می ریزند و به عنوان قیم این ” عامه ” سلمان صغیر ” به جای آنان می نندیشند ، بر خلاف نظر آنان تصمیم می گیرند و بر ضد صلحت آنان عمل می کنند ؛
اقداماتی که جمهوری اسلامی ایران ، با تمام ” خضوع و خشوعی که ذاتی اوست ” (!) می - تواند ادا کند ، در پیاده کردن آنها ، همتا ندارد !

کارنامه ” بی همتایی حاکمیت جمهوری اسلامی در همین جا بسته نمی شود . در واقع کدام حاکمیت دیگری می تواند ، در برابر میلیونها دهقانی که با رنج و خون و آرزوی دستیابی به زمینی که خود و تبارش ، بر سر بارور کردن آن ، به حساب جیب بزرگ مالکان ، به تباهی جسمی و روحی رسیده - به پا خاسته و انقلاب را بشمر رسانده ، بایستد و بگوید :

” روستائیان برای خاطر خرق و پرق بچ و بی معنای زندگی شهری ، مثل گذشته که رژیم شاه این کار را تشویق می کرد ، بلند شوند و کوله بارشان را بردارند ، دست زن و بچه شان را بگیرند ، بیایند تهران و یا بیایند در شهرهای بزرگ ”

نه ! آقای رئیس جمهوری ! روستائیان ما بخاطر خرق و پرق ” به شهرها مهاجرت نمی کنند .

خویست علل این مهاجرت روز افزون را از زبان ابراهیم شوندی ” عضو انجمن اسلامی کهریز - یغازی و مسئول روابط عمومی کمیته ” زن ” بشنوید :

” بخاطر محرومیت هایی که در این منطقه وجود دارد ، طبق اطلاعاتی که داریم از بعضی از روستاهای این منطقه در چند ماهه اخیر ، آتا ۷۰ خانوار به شهرها مهاجرت کرده اند . وی افزود از لحاظ توزیع مواد غذایی و امکانات کشاورزی و فرهنگی ، این منطقه ، بسیار وضع بدی دارد و در زمستان گذشته خیر دارم ، حتی خانواد هائی بود ندکه به نیم کیلو برنج دسترسی نداشتند . شاه بدوم که بخاطر کمبود سوخت ، شبها برای آبیاری از روشنائی چراغ موتورسیکلت

استفاده می کردند و یا پمپ کشاورزی را دیدم که بخاطر یک تسمه از کار بازمانده است و شاه شد بودم که در حالیکه ۳ متر برف روی زمین نشست بود ، پسر زن مریضی را برای اینکه به دکتر برسانند ، روی دوش حمل می کردند ” (کیهان ، ۲۰ تیر) .

این را دیگرمانی گوئیم ، ” اعضای شراهای ۲۰ روستای اطراف دمی ” می گویند ، که ” محال سرد رود ، که قبلا دارای ۵۶ روستا بوده ، در حال حاضر ، بخاطر مهاجرت بعضی روستائیان ، ۴۸ روستا مانده است در این روستاها ، علاوه بر مشکل زمین ، ” عموما نداشتن راه و پرق و آب لوله کشی ، امکانات درمانی و بهداشت و نیز مساله توزیع سوخت و کالاهای اساسی و کمبود و لوازم ماشین آلات کشاورزی و مشکلاتی از ایسن قبیل مطرح است برق در سراسر روستا های این منطقه وجود ندارد ” (کیهان ، ۲۰ تیر) .

مطلب گویاتر از آنست که نیاز به تفسیر داشته باشد . در توضیح آن ، همین بس که بگوئیم ، این ویژگیها ، تنها به ۴۸ روستای محال سردرود - از ۵۶ روستای باقی مانده - اختصاص ندارد . این مختصات ، گاه به درجاتی بس بالاتر از اینها ، در اکثریت مطلق روستاهای ایران ، قابل تعمیم است .

در واقع ، آقای رئیس جمهوری این تطیلی ” شاهانه ” به روستائیان همان چیزی رانست می دهد ، که ” روحشان ” از آن بی خبر است . وی همچنان در این سخنان از ” واقعیاتی ” سخن می گوید ، که حتی ” برناه ریزان دولتی ” هم ، به آن دست نیافته اند : حجت الاسلام خامنه ای می گوید :

” امروز ، مردم ما خوشبختانه مالیات را بسا شوق و رغبت می دهند ! ”
به برناه ” اول توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی نگاه کنیم :

” نظام مالیاتی کنونی کشور ، نظام کارآمدی نیست در شرایط فعلی چه بسا افراد و موسساتی که با وجود درآمد کلان ، مالیاتهای خود را به اندازه لازم پرداخت نکرده و نظام مالیاتی کشور نیز توان وصول آن را ندارد ” (کیهان ، ۲۵ مرداد) .

و از سوی دیگر ستون های ” درد دل مردم ” و ” صدای شما ” و روزنامه های مجاز از فریاد های اعتراضی مردم ، در مورد بالا رفتن میزان مالیات و عوارض دولتی بلند است . اینهمه از حقیقت پروا داشتن چی معنی دارد ؟ آیا می - توان ، برای همیشه واقعیات را ” با شوق و رغبت ” زیر آواری از برداشت ها و تحلیل های کاذب ، مدفون ساخت و خود به جای آن نشست و حکم راند و امر و نهی کرد ؟!

آقای رئیس جمهور ، در پایان خطبه ” اول و بقیه در صفحه ۱۰

بمناسبت سالگرد کودتای فاشیستی - نظامی درشیلی

نکاتی چند پیرامون تجارب انقلاب شیلی



لوئی کوروالان، دبیر کل حزب کمونیست شیلی

تر و همیقت مردم روستاها کمک کند . اما خبربکاری ارتجاع در تولید اقتصادی، توطئه‌های امپریالیسم بمنظور ایجاد بی‌ثباتی در کشور و همچنین عدم هدایت موثر امور اقتصادی کشور توسط دولت موجب گردید که توازن قوا به زیان ما تمام شود .
روشن است که انقلاب خطر ضد انقلاب را نیز به همراه دارد؛ بخصوص وقتی که نیروهای انقلابی ابتکار عمل را از دست داده و به مواضع دفاعی کشیده می‌شوند و انقلاب در جا می‌زند، تا آنجا که توازن قوا بسود دشمن تغییر می‌یابد . درشیلی این روند پس از مرحله اوج جنبش توده‌های و تحولات عمیق دمکراتیک، مرحله‌ای که طی آن دولت خلق بطور چشمگیری از پشتیبانی توده‌ها برخوردار بود و به موفقیتها و دستاوردهای مهمی دست یافته بود، آغاز شد .

در سپتامبر ۱۹۷۳ انقلاب شیلی موقتاً با شکست مواجه گشت و ژنرال پینوشه در رأس یک باند نظامی ارتجاعی، که از سوی آمریکا هدایت و تغذیه می‌شد با طرحریزی یک کودتای نظامی دیکتاتوری فاشیستی را در شیلی برقرار ساخت .
با وجود شکست موقت انقلاب، دستاوردهای سه ساله آن میراث گرانبهائی را برجای گذاشت . این دستاوردها بعنوان پرچم مبارزه طبقه کارگر و وسیعترین اقشار مردم شیلی باقی خواهد ماند . امروز تجارب انقلاب شیلی در مرکز مباحثات سیاسی و ایدئولوژیک قرار دارد .
ما در زیر قسمتهائی از مقاله تحلیلی رفیق لوئی کوروالان، دبیرکل حزب کمونیست شیلی را، حزبی که برای وحدت همه نیروهای ضد فاشیستی و ضد دیکتاتوری مبارزه میکند، منتشر می‌کنیم :

جراستییانی به تمام قدرت ضروری بود

طبقه کارگر و دیگر نیروهای مترقی درصدد برقراری دولت طراز نوین بودند . اشکال جدیدی از اعمال حاکمیت پدیدار شد؛ در کارگاههایی که مالکیت دولتی برقرار شده بود کمیته‌های تولید و سرپرستی و نیز کمیته دفاع از کارخانه تشکیل شدند؛ سندیکا‌های سراسری برای بخشهای مختلف صنایع تشکیل گردیدند؛ مصرف کنندگان، شوراهای تأمین مواد غذایی و کنترل قیمت‌ها را تشکیل دادند . این نطفه‌های شکل حاکمیت جدید (که یکی از گرانبهاترین تجربیات ماست) تکامل لازم را نیافتند .
فعالیت چپ‌روها نیز، که میخواستند این سازمان‌های جدید را بعنوان آلترناتیوی در مقابل دولت رئیس‌جمهور آینده علم کنند پایه‌های

۱۱ سال پس از انقلاب کوبا (۱۹۵۹)، که خلق را بقدرت رساند، خلق شیلی نیز با پیروزی انقلاب ۱۹۷۰ بخشی از قدرت سیاسی را به دست آورد .
در طول سه سالی که حکومت اوئیداد پپولار (۱) این مواضع را در دست داشت، تغییرات بنیادی در ساختار انقلاب ضد امپریالیستی و فاشیستی اولیگارشائی انجام داده و گامهای مهمی در راه جهت‌گیری بسوی تحقق اهداف سوسیالیستی برداشته شد . تحولات به ثمر رسیده در این مدت علائق تمام مردم جهان را برانگیخت .
از این رو مبارزین انقلابی بسیاری از کشورهای تجارب انقلاب شیلی را بررسی میکنند . آنها نیز این نکته تأکید میکنند که طبقه کارگر تنها آن زمان میتواند انقلاب را به سرانجام برساند، که مبارزه طبقاتی را تشدید کند، آتش مبارزه را بسوسوی دشمن اصلی بگشاید، اجرای تحولات ضروری در جامعه را تسریع کند، اکثریت مردم را پیرامون خود متحد سازد و به این وسیله آنچنان تناسب قوایی را برقرار کند، که پیروزی بر ارتجاع و بستن دست‌های وی را ممکن سازد .

در مورد شالوده برنامه اوئیداد پپولار

قدرت خلق بر پایه اتحادی که بر حول طبقه کارگر و اتحادی که پیرامون اوئیداد پپولار بوجود آمده بود، قرار داشت . اما برای آنکه این اتحاد پایدار باقی بماند، بایستی بنای آن بر اساس یک برنامه مشترک و رهبری سیاسی واحد پایه ریزی شود .

در شیلی ابتدا امکان منزوی کردن دشمن و غلبه بر وی به تحقق پیوست و بدین وسیله راه برای انجام یک سری از وظایف انقلابی از جمله : ملی کردن معادن بزرگ، من، بانکها و شرکتهای بزرگ انحصاری، اجرای اصلاحات ارضی، برقراری کنترل بر تقریباً تمام تجارت خارجی، گشوده شد .
موفقیت کامل دولت اوئیداد پپولار در حل مشکلات اقتصادی، میتوانست به جلب همه جانبه

حکومت خلقی را تضعیف کرد و امکان مانور دشمن را تقویت نمود .
در شیلی مسئله اصلی انقلاب (یعنی تصرف تمام قدرت سیاسی) ، به قابلیت دولت اوئیداد پپولار برای انزوای دشمن و برقراری تناسب قوا بسود خویش بستگی داشت . این امر میتوانست زمینه گسترش تحولات عمیق و پیگیر را، با توجه به در دست داشتن مقام ریاست جمهوری، به دست یابی تمام نهاد های دیگر فراهم سازد .
از سوی دیگر اقشار وسیع خلق هنوز به تصرف کامل قدرت، پی نبرده بودند . دشمن نیز از این واقعیت، که مردم تصور روشنی از تحولات ضروری نداشتند بسود خویش استفاده میکرد و در نتیجه ما مجبور به عقب نشینی شدیم .

مسئله اقشار بینایی

انقلاب شیلی نشان داد که هژمونی طبقه کارگر و نقش رهبری کننده پیشاهنگ آن، عوامل تعیین کننده پیروزی انقلاب است .
مبارزه برای جلب خرده بورژوازی، اقشار بینابینی و اقشار نیمه پرولتر، شرط اساسی بمنظور برقراری تناسب قوا بسود انقلاب است . این نیروها به هیچ وجه همگون نبوده و دهقانان، تجار و سرمایه‌داران کوچک، صنعتگران، شاغلین آزاد، روشنفکران، دانشجویان و غیره را در بر میگرفتند . بخشی از این نیروها در تمام طول روند انقلاب شیلی در جبهه خلق قرار داشتند . اما همیشه مبارزه‌های دائمی برای جذب اکثریت این اقشار به این یا آن سوی جبهه در جریان بود و بالاخره اکثریت آنها بی، که در ابتدا در موضع دفاع و بسوی طرفی نسبت به دولت بودند، در پایان بسوی جبهه ضد انقلاب پیوستند .
ارتجاع که به علت اشتباهات رهبری سنایسی تا حدود زیادی مرفش شده بود از انزوا درآید، جبهه مشترکی با این نیروهای بینابینی تشکیل و حتی نفوذ خود را به بخشهایی از طبقه کارگر نیز تعمیم داد و به حرکت تهاجمی دست زد .
بقیه در صفحه ۱۵



جبهه متحد خلق: تاکتیک بنیادی پیروان راستین سوسیالیسم علمی

مفسد و جوی جنایتکارانه ارتجاع علیه حزب توده ایران که بدست حاکمیت کوردل و فرهنگ ستیز جمهوری اسلامی ایران اعمال می شود، درست به این علت انجام میشود که برنامه علمی و انقلابی حزب ما در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... هر روز روشنتر و زلالتر به تنها برنامه واقعی و علمی انقلاب تبدیل میشود.

تحریف و لجن پراکنی به تاکتیک و استراتژی صریح و اعلام شده حزب ما - تنها جریان سیاسی ای که مدتها قبل از هر نیروی برنامه سیاست و مشجم و تدوین

شده خود را به مردم میهن ما ارائه کرد - خود دلیل استواری و مردمی این سیاست است. این تحریف ها و لجن پراکنی ها آیند های ندارد و در مقابل تاریخ محکوم است.

راه توده برای برجسته کردن بازهم بیشتر تاکتیک و استراتژی حزب به هر جریان و پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن به چاپ خلاصه مقاله "جبهه متحد خلق: استراتژی یا تاکتیک؟ هم استراتژی و هم تاکتیک" منتشر و در نامه مردم "ارگان مرکزی حزب توده ایران" شماره ۵۰۲ اقدام میکند!

نگاهی به آثار کلاسیک و اسناد معتبر مارکسیستی درباره استراتژی و تاکتیک مبارزه سیاسی پرولتاریا نشان می دهد که اندیشه تشکیل جبهه متحد خلق، به مثابه تاکتیک بنیادی و محوری مبارزه انقلابی کارگران و خلق های تحت ستم، همچون خط سرخی در تمام این آثار، ازمانیفست تا آخرین مصوبات نشست های احزاب برادر، امتداد یافته است.

"مانیفست حزب کمونیست"، اثر جواویدان و تاریخ ساز مارکس و انگلس، نخستین نوشته جامعی است که در آن، علاوه بر جهان بینی و اپیدئولوژی کلیات استراتژی و تاکتیک پرولتاریا نیز توضیح داده شده است.

مارکس و انگلس در تشریح این رهنمود، پشتیبانی کمونیست ها را از نیروهای انقلابی در کشورهای مختلف اروپای آن روز برمی شمارند و به این نتیجه می رسند که:

"خلاصه آن که کمونیست ها همه جا از هر جنبش انقلابی که ضد نظام اجتماعی و سیاسی موجود باشد، پشتیبانی می کنند" و "... همه جا برای برقراری اتحاد و توافق میان احزاب دمکرات همه کشورها جهد می ورزند." (۵)

در همین حال مارکس و انگلس یاد آور می شوند که: "کمونیست ها پنهان نگاه داشتن نظریات و نیت خویش را ننگ می دانند" (۶) و، در همین پشتیبانی از دیگر نیروهای انقلابی، "از حق خود برای انتقاد" (۷) نیز صرف نظر نمی کنند.

به این ترتیب مارکس و انگلس نشان می دهند که سیاست کمونیست ها در برابر دیگر نیروهای انقلابی دوجبه دارد: اتحاد و انتقاد. و پیام مانیفست در زمینه استراتژی و تاکتیک به این صورت درمی آید: مبارزه با سرمایه داری و "اتحاد و انتقاد" با دیگر نیروهای انقلابی.

سیاست "اتحاد و انتقاد" یا "اتحاد و مبارزه"، شکل مشخص دفاع از فدای جنبش در درون جنبش انقلابی واقعا موجود حضور می یابد. در راه اتحاد همه نیروهای خلقی و انقلابی و گردآوری همه نیروهای واقعا موجود در مبارزه علیه دشمن مشترک - سرمایه داری - می رزمند، با روشنگری سیاسی و توضیح مواضع و منافع طبقاتی هر یک از این نیروها، مانع از انحراف و یا توقف زودرس انقلاب می شوند و تدوام و تعمیق انقلاب در راه تامین منافع زحمتکش را پاسداری می کنند. سیاست "اتحاد و مبارزه" سیاست تشکیل جبهه متحد خلق است. سیاستی است که بنیانگزاران جنبش کمونیستی آن را تدوین کرده اند...

دومین نوشته جامعی که در آن استراتژی و تاکتیک انقلابی کمونیست ها مورد بررسی قرار گرفته است، اثر تاریخ ساز لنین به نام "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" است. اهمیت این کتاب در گسترش و تکامل آموزش مارکسیستی انقلاب دموکراتیک تا بدانجاست که می توان آن را قانون اساسی انقلاب دموکراتیک در دوران های نوین دانست. موضوع اصلی این کتاب نیز همان تاکتیک بنیادی مارکسیست ها در مبارزه سیاسی است...

تاکتیک بنیادی که لنین برای پرولتاریای روسیه تدوین می کند، چنین است:

تشکیل جبهه متحد خلق از کارگران و دهقانان و دیگر عناصر دموکراتیک شهر و روستا برای خنثی کردن تزلزل ها و سازشکاری های بورژوازی لیبرال و مبارزه در راه استقرار جمهوری دموکراتیک. لنین برای اثبات صحت این تاکتیک ناگزیر بود با دینامیک مخالف

راست و چپ در این باره مبارزه کند....

پس از لنین، جریان ادراک، گسترش و پرداخت اندیشه "جبهه متحد خلق"، به مثابه تاکتیک بنیادی مبارزه سیاسی پیروان سوسیالیسم علمی مراحل مختلفی را از سر گذرانده است. در این میان رهنمودهای کنگره هفتم کمینترن (۱۹۳۵) را بی گمان باید نقطه عطف دانست. کنگره هفتم کمینترن با آموزش از تجربه عینی کمونیست های فرانسه در تشکیل جبهه واحد ضد فاشیستی، و گسترش و تعمیق این آموزش در پرتو رهنمودهای مارکسیست - لنینیستی، به فرمول بندی صریح و دقیقی درباره چگونگی تشکیل جبهه واحد خلق در مبارزه با فاشیسم، دولت ائتلافی نماینده این جبهه و جبهه واحد ضد امپریالیستی در کشورهای استعمارزده دست یافت....

جبهه متحد خلق: هم استراتژی، هم تاکتیک

از آن چه گذشت، روشن می شود که، از نظر تئوریک، کوشش مارکسیست - لنینیست ها برای تشکیل جبهه متحد خلق، تاکتیکی است که اعاد استراتژیک دارد و به این بیان مرحله گذرای تکامل جنبش محدود نمی شود. پیروان راستین سوسیالیسم علمی در تمامی مراحل رشد و تعمیق انقلاب، از انقلاب دموکراتیک ضد امپریالیستی تا انقلاب سوسیالیستی منادی اتحاد نیروهای انقلابی و خلقی، پیروان برنامه مشترک سیاسی و اجتماعی هستند، که منافع اکثریت عظیم و قاطع خلق را تامین می کند.

البته در جریان رشد و تعمیق انقلاب، ترکیب، کمیت و کیفیت جبهه متحد خلق خواه ناخواه تغییر خواهد کرد. برخی نیروها در میانه راه از آن خواهند بزد و برخی دیگر بدان خواهند پیوست. اما این امری نیست که به خواست و اراده مارکسیست ها و تصمیم گیری مصوعی آن ها بستگی داشته باشد. این منطق تکامل و زرفش انقلاب است. پیروان راستین سوسیالیسم علمی پیشاپیش هیچ نیرویی را از شرکت در این اتحاد محروم نمی کنند. برعکس، این نیروهای سیاسی وابسته به طبقات استثمارگر هستند که در این یا آن مرحله از زرفش انقلاب، از وفاداری به آرمان های خلق سرب می پیچند و در برابر جبهه متحد خلق قد علم می کنند. نمونه سربچی لیبرال های ایران از وفاداری به هدف های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، خود شاهدی عینی است که خلق ما آن را تجربه و لمس کرده است.

آنان که سیاست اصولی و انقلابی حزب توده ایران را بدون پیشداوری دنبال می کنند، به یاد دارند که ما در سرازاد انقلاب به درستی این سربچی را پیش بینی کردیم و آن را با خلق در میان گذاشتیم. اما در بدو امر هرگز نگفتیم و نخواستیم که این یا آن عنصر و یا سازمان لیبرالی را باید پیشاپیش از شرکت در جبهه متحد خلق محروم کرد. فقط آن گاه که فلان یا بهمان جریان لیبرالی در عمل نشان داد که دیگر به آرمان های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایران وفادار نیست، بلکه آشکارا قصد آن دارد که انقلاب را به سازش با امپریالیسم و ارتجاع بکشاند، بکلنظه نیز در افشای آن و کوشش برای منفرد کردن آن از جبهه انقلاب درنگ نکردیم. پیروان راستین سوسیالیسم علمی هیچ شرطی را از پیش برای شرکت در جبهه متحد خلق تعیین نمی کنند، مگر وفاداری به برنامه انقلاب و به آرمان های خلق. از نظر ما حتی پذیرش حاکمیت این یا آن نیروی انقلابی بقیه در صفحه ۱۵

تجاوز و توسعه طلبی آمریکا دیگر حدود مرزی نمی شناسد

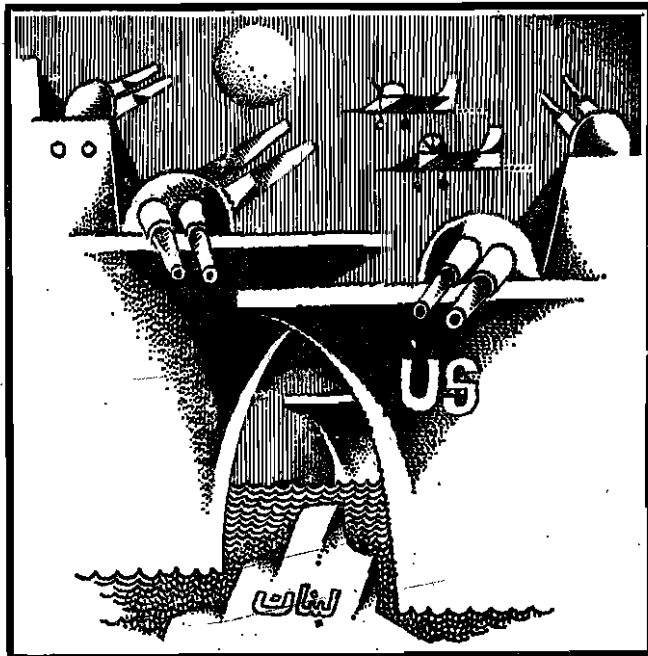
جنگ را گسترش دهد و تعداد نیروهای مسلح خود در لبنان را زیادتر کند. اما ورود ۲۰۰۰ سرباز تازه اگر افزایش تعداد سربازان نیست پس چیست؟

نقشه‌های پنتاگون و کاخ سفید تنها بدخالت در لبنان هم محدود نمی‌شود. در هفته‌های اخیر اتهامات بی‌پایه علیه سوریه که گویا در گسترش زد و خورد های اخیر دست دارد نشان می‌دهد

که این تبلیغات با هدف تدارک زمینه برای وارد آوردن ضربه بر سوریه دامن زده می‌شود. می‌خواهند با تلقین این دروغها به اهالی آمریکا، آنانرا برای توجیه عملیات تجاوزی احتمالی علیه سوریه آماده سازند. در مورد امکان وقوع این عملیات در واشنگتن دیگر آشکار گفتگو میشود. از قبول منابع آمریکائی نقل کرده اند که مشاوران ریگان از او خواستند بپرامون وارد آوردن ضرباتی از راه هوا بر مواضع سوریه و لبنان بپنند یابد. کسانیکه با روش کار رئیس جمهور آمریکا آشنا هستند میدانند که او برای تصمیم گیری در اینگونه موارد نیاز به وقت طولانی

"دفاع" از پیاده نظام دریائی لازم آمده است که از یکسال پیش برای برقراری آرامش در لبنان مستقر میباشد.

بدون تردید صحبت بر سر تدارک مداخله وسیع آمریکا در امور داخلی لبنان است. آنها هم طیر غم اطمینان دادن ریگان که "پیاده نظام دریائی در جنگ داخلی لبنان مداخله نخواهد کرد" و که "ایالات متحده آمریکا نمی‌خواهد



دکور تازه در تئاتر خاور نزدیک

سیاست دولت کنونی آمریکا را در آمریکای مرکزی، جنوب آفریقا، لبنان، افغانستان و جنوب شرقی آسیا تنها بجنون تجاوز و انضمام طلبی خالص میتوان ارزیابی کرد. بویژه در خاور نزدیک این سیاست از راه دخالت مستقیم نظامی خشونت آمیز در لبنان تحقق می‌پذیرد. اخیراً توپخانه آمریکا آنها مناطق مسکونی بیروت و روستاهای اطراف آنرا گلوله باران کرد. اما این فقط تدارک برای دخالت وسیعتر نظامی ایالات متحده آمریکا در لبنان بود. نقشه‌های مربوط به توسعه دخالت در لبنان توسط خود دولت آمریکا فاش گردیده است. جندی پیش در ساحل لبنان سه ناو جنگی آمریکا با دو هزار پیاده نظام دریائی پهلو گرفت. باین ترتیب پنتاگون تعداد سربازان خود را در باصطلاح نیروهای چند ملیتی به ۳۲۰۰ تن رساند. ریگان اعلام کرده که به فرماندهی این نیروها اجازه داده است که در صورت لزوم از نیروهای هوائی تقاضای پشتیبانی کنند. فرستاده ویژه آمریکا در خاور نزدیک نیز اعلام کرد باید پیاده نظام دریائی را با استفاده از هواپیماهای "هارییر" و بمب افکن های "A-6" که در ناو هواپیمایر "ایزنهار" مستقر هستند مورد پشتیبانی قرار داد. سختگویی کاخ سفید هم اعلام کرده که فرماندهی نیروهای نظامی آمریکا در لبنان اختیار تام دارد که برای دفاع از یگان های خود از توپخانه دریائی، تانکها و خمپاره اندازها و همچنین نیروی هوائی استفاده کند. و تمام اینها برای تأمین

مردم لبنان فریب این تبلیغات مشکوک را نخواهند خورد!

ولی آقای مفسر با انکار نقش مثبت سوسیالیست ها و کمونیست ها در مبارزه مردم لبنان علیه امپریالیسم تلاش می‌کند سیاست انحصار طلبانه حاکمیت ایران را که در جهت منافع امپریالیست هاست به مردم لبنان هم القاء کند و چنین بیان میدارد که در بیکار کنونی در لبنان تنها مسلمانان شرکت دارند و لذا مسلمانان را به سرکوب تمام کسانی که مانند آنان نمی‌اندیشند و یا برنامه‌هایی برای محو بهره کشی انسان از انسان و برقراری عدالت اجتماعی در لبنان دارند، تشویق و ترغیب می‌کند. این همان سیاست تفرقه افکنانه‌ای است که تنها پسوند امپریالیسم در لبنان است، سیاستی که نتیجه آن مبارزه مردم لبنان را با خطر شکست روبرو میسازد.

و این يك خطر واهی هم نیست. همه می‌دانند که در ایران کنونی قشریها مثل آب خوردن آدم میکشند و بازار شلاق و شکنجه آذین است در گراندها، پونز فرو کردن به پیشانی زنانی که روسریشان یک سانت عقب رفته باشد و تیغ کشیدن بر روی لبهایشان به بهانه پاک کردن

گرد اندگان روزنامه جمهوری اسلامی چیست؟ کک به مردم لبنان یا کک به امپریالیسم آمریکا و صهیونیست ها؟

بدون تردید پیروزی تاریخی مردم ایران علیه رژیم آمریکائی شاه حاصل یگانگی تمام توده‌های زحمتکش خلق و اقشار آزاد خواه و استقلال طلب ملت در مبارزه برای هدف مشترک، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بود. و درست آنچه که امروزه انقلاب را مسخ و آنرا در آستانه شکست کامل قرار داده، همانا انحصار طلبی مسلمانان قشری و سرکوب و حشینه تمام دیگر نیروهای شرکت کننده در انقلاب توسط آنهاست. در لبنان کنونی هم، مسلمانان، اعم از سنی و شیعه، همراه حزب سوسیالیست مترقی و حزب کمونیست و از همه مهمتر مبارزان فلسطینی علیه فالانترها، ارتش لبنان و ارتش‌های مداخله گر خارجی در شمال و جنوب کشور بیکار می‌کنند. اگر هم بحال امپریالیست ها و صهیونیست ها نتوانستند بتحقیق تمام امیال حبیبیت خود در لبنان دست یابند حاصل این یگانگی و پایداری نیروهای ملی و مترقی اعم از مذهبی و غیر مذهبی است.

هفته گذشته، روزنامه جمهوری اسلامی، تفسیری بر وقایع کنونی لبنان نگاشت که محتوای آن چنین بود:

"در حالیکه شیعیان و مسلمانان لبنانی علیه فالانترها، ارتش لبنان و ارتش مداخله گر آمریکا بیکار می‌کنند، خبرگزارهای غربی اصرار دارند بگویند که هسته اصلی مقاومت را سوسیالیست های لبنان و چپ گراها تشکیل میدهند در سال های مبارزه علیه شاه در ایران هم عین این کار را می‌کردند تا از یکطرف سرکوب مخالفین بعنوان کمونیست برایشان آسانتر باشد و از طرف دیگر توده های مسلمان را از آلت دست کمونیست ها شدن بترسانند و از مبارزه منصرف سازند."

از این مقدمه چینی، روزنامه جمهوری اسلامی نتیجه می‌گیرد که در لبنان کنونی هم مانند ایران پیش از انقلاب، چپ ها و کمونیست ها و سوسیالیست ها هیچ نقشی ندارند، بلکه فقط این توده های مسلمان هستند که با یانگ "الله و اکبر" و سلاح در دست با مداخله گران خارجی، و راستگرایان داخلی می‌جنگند. یا خواندن این تفسیر غیر منطبق بر واقعیات طبعاً این سوال مطرح میشود که هدف واقعی

نظری بر سیر ارزیابیهای حزب توده ایران از جنگ ایران و عراق

بقیه از صفحه ۱

نشان می دهند که همه ارزیابیهای حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران - که بر پایه درک علمی و واقع بینانه از اهداف و انگیزه های امپریالیسم و ارتجاع منطقه در برهه انداختن این جنگ استوار بوده اند، علمی رشم تشبیهات گروههای مختلف و بویژه راستگرایان و تسلیم طلبان در درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، در تحریف این ارزیابیها، در مراحل مختلف جنگ با دقت ریاضی درست از آب درآمده اند.

حزب توده ایران مدت ها قبل از اینکه جنگ شروع شود، اطلاعات دقیقی در مورد شروع جنگ و تدارک عراق جهت این جنگ به اطلاع مردم و مقامات حاکمه رساند. در ماه قبل از آغاز تجاوز ارتش صدام به ایران، کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه ای که تحت عنوان "ما هشدار میدیم!" در "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب به چاپ رسید، خبر از توطئه حمله به ایران و اشغال خوزستان و مناطق ساحلی خلیج فارس از راه دریا، زمین و هوا داد. حزب در اعلامیه خود اطلاع داد که "عقالت جنایتکار امپریالیسم و صهیونیسم قصد دارند اینبار غرب و جنوب کشور را به اشغال در آورند و از آن پایگاه به انقلاب ایران هجوم آورند." حزب در دو اطلاع مخفی، که به مقامات حاکمه کشور داد، تصریح نمود، که تاریخ تقریبی شروع این توطئه اواخر شهریور می باشد.

حزب به پیروی از مثنی اصولی و انقلابی خود، در فراخوانی که در همان شماره "نامه مردم" به چاپ رسید، همزمان با دعوت همه نیروهای انقلابی به اتحاد عمل در جبهه متحد خلق بنویسند، خویش تمام نیروهای خود را "فراخواند که برای دفاع از انقلاب آماده شوند."

شروع تهاجم عراق به ایران صحت هشدارهای حزب توده ایران را به اثبات رساند. پس از شروع تجاوز نیز حزب ما ارزیابی خود را در قبال آن با صراحت بیان نمود. حزب در اعلامیه مورخ ۵۹/۶/۳۱ کمیته مرکزی تصریح نمود که "تجاوز نظامی رژیم مزدور بعثی عراق به ایران در چارچوب توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا انجام می گیرد" و "فشار منگنه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از هر سو افزایش می یابد. تجاوز نظامی هنگامی رژیم بعثی عراق به ایران مرحله جدیدی از توطئه براندازی است. رژیم مزدور بعثی عراق در توطئه جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی نقش نیروهای ضربتی را بعهده گرفته است."

علی رغم مواضعی و دروغویی آقای موسوی نخست وزیر، در نطق پیش از خطبه های نماز جمعه تهران، حزب توده ایران پس از شروع

تجاوز نقشه متجاوزان را اعلام نمود و در ماهنامه دنیا مهر ماه ۱۳۵۹ اعلام نمود که "ما اطلاع داریم که در همان اولین روزهای آغاز حمله بین رئیس سازمان امنیت دار و دسته صیدام و گردانندگان ضد انقلاب ایران بختیار، آریانس، فریدون جم، اوپسی و مدنی در پاریس و بعداً میان بختیار و اوپسی و صدام در بغداد نقشه کامل جدا کردن خوزستان و کردستان و اعلام حکومت با اصطلاح "ایران آزاد" یعنی ایران وابسته به آمریکا طراحی شده و به تصویب نهائی طرفین رسیده است." حزب در ماهنامه دنیا آبان ۱۳۵۹ افشا نمود که "صدام به بختیار صریحاً اطمینان داده که به مجرد تشکیل دولت" جناب ایشان عراق این دولت را به رسمیت خواهد شناخت و کشورهای عربی مانند مصر و ... به دنبال عراق خواهند آمد و آمریکا هم بلافاصله به این جبهه خواهد پیوست. حزب ما با درک مسئولیت تاریخی خود در قبال مردم، میهن و انقلاب تمام خلق و همه نیروهای انقلابی را به اتحاد و یگانگی و وحدت عمل زیر پرچم انقلابی دعوت نمود و همه را از هر گونه انحصار طلبی، نفاق افکنی و خود نمائی بر حذر داشت. حزب از همه اعضا و هواداران خواست که دوش به دوش همه نیروهای انقلابی و همه مردم میهن دست ایران به دفاع از انقلاب و میهن در برابر متجاوزان بپاییزند. حزب توده ایران از همان آغاز شروع جنگ هشدار داد که "باید تا دیر نشده در باره آن شرایطی فکر کرد که امپریالیست ها و سرسپردگانشان بتوانند جنگ فرسایشی طولانی را به میهن ما تحمیل کنند" (دنیای مهر ۱۳۵۹) و برای احتراز از این موضوع "تجدید نظر بنیادی در سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی در جهت تحکیم همکاری و اتحاد انقلابی میان همه نیروهای راستین انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی در درون کشور و گسترش همه جانبه همکاری و دوستی با کشورها و جنبش های راستین ضد امپریالیستی ضرورت تاریخی پیدا می کند" (همانجا).

حزب توده ایران هشدار می داد که جهت عقیم گذاشتن توطئه تجاوز، تجدید نظر بنیادی در سیاست های اقتصادی و اجتماعی انقلاب لازم است و باید "انقلاب مردمی را بیه سود آن طبقات ده ها میلیونی زافه نشینان و کهر نشینان و پابرهنگها، یعنی زحمتکشان شهر و روستا، دهقانان و کارگران و به زیان غارتگرانی که در همین روزهای دشوار دفاع در برابر تجاوز با احتکار و گران کردن مایحتاج روزانه مردم باز هم میلیارد ها تومان از درآمد ناچیز رو به کاهش زحمتکشان می دزدند، به معنای واقعی خسود پیاده کرد" (همانجا).

حزب ما از همان

هنگام در رابطه با شرایط پایان جنگ اعلام نمود "ما خاتمه جنگ را ۰۰۰ با این شرایط خواستاریم که عراق برگردد به سرحدات اولیه خودش و اگر با حرف برگردد او را ۰۰۰ به سرحدات اولیه خودش به آنجا که تجاوز شروع شده برگردانیم و سپس برای حل بقیه مسائل مورد اختلاف مذاکره شود" (پرسش و پاسخ ۱۲ مهرماه ۵۹).

توده ما بیهای بهای جان خود مشی انقلابی حزب را پیاده نمودند و درستی آن را به اثبات رساندند، شهیدایی که حزب ما در راه دفاع از انقلاب و میهن و دفع تجاوز تقدیم نمود، گواهی گیری در دفاع از انقلاب و اهداف آن، نه در حرف، که در عمل بود. همچنین پیام های ۳ ساله جنگ درستی و صحت این ارزیابی های حزب توده ایران را اثبات نمودند.

ماشائنگران در یروز و تسلیم طلبان امر و ز بجای تکیه بر توده های مردم و اجرای سیاست های انقلابی، راه ذلت بار سازش را در پیش گرفتند. آنها از آغاز تجاوز و طی ماهها و سال های پس از آن، بجای اینکه از نیروی انقلابی مردم، که پس از جنگ فعالتر شده بود، جهت قطع و قمع قاطعانه ضد انقلاب و پایگاه طبقاتی یعنی سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکان زالو - صفت استفاده کنند، تحت عناوین و توجیحات گوناگون از انجام تحولات بنیادی و انقلابی به سود طبقات مردمی یعنی زحمتکشان شهر و روستا، دهقانان و کارگران و به زیان غارتگران، که با احتکار و گرانی آخرین رفیق مردم را می مکیدند، طفره می رفتند. آنها نخواستند و استغدادش را نیافتند، که از این نبرد برای شناختن و از بین بردن کمبودها و نارسائیها در همه زمینه های زندگی اجتماعی و اقتصادی به نفع تحمیل انقلاب بهره گیری کنند. بالعکس ماشائنگران به سرمایه داران و مالکان بزرگ اجازه دادند تا از این جنگ جهت تحکیم و تقویت مواضع خود گامهای اساسی و بزرگی بردارند.

هنگامی که با قهرمانی و جانفشانی مردم ایران نیروهای متجاوز عراق در اکثریت مناطق اشغالی به پشت مرزها رانده شدند، موقعیت مناسبی جهت پایان دادن به جنگ میان ایران و عراق، که ادامه آن جز به نفع امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع درون هر دو کشور نبود، بوجود آمد. تسلیم طلبان در این جا نیز بی استفاده ای و کودنی خود را به نمایش گذاردند. آنها بجای استفاده از موقعیت و استقرار صلحی عادلانه بسود هر دو ملت ایران و عراق پایمان جنگ را منوط به سقوط رژیم صدام حسین در عراق نمودند و تز صدور "انقلاب اسلامی" به عراق را به میان آوردند. راستگرایان نیز، که ادامه

بقیه در صفحه ۹

نظری بر سیر ارزیابی‌های حزب توده ایران از جنگ ایران و عراق

بقیه از صفحه ۸

جنگ توأم با ماشائگری تسلیم طلبان، بهترین زمینه را جهت مسلط گشتن آنها در درون حاکمیت فراهم آورده بود، در شیپور جنگ دمیدند. لذا با ورود نیروهای مسلح ایران به خاک عراق مرحله جدیدی در جنگ میان ایران و عراق آغاز گشت.

در این مرحله نیز، علی‌رغم فشارهای پیش‌ممار حاکمیت، حزب توده ایران با بیان نظریات صریح و روشن خود تلاش بسیار نمود، که توطئه امپریالیستی فرسایشی نمودن جنگ را عقیم گذارد. حزب ما از همان هنگام هشدار داد که ورود نیروهای ایران به خاک عراق و ادامه جنگ گرفتار آمدن در دام آمریکا است. حزب متجاوز از یکماه قبل از مرحله جدید جنگ، در سند حزبی در ۱۵ خرداد ۶۱ اظهار داشت، که "به نظر ما در مرحله کنونی آمریکا با تمام قوا مخالف پایان یافتن جنگ است و با تمام قوا برای تدارک در جهت توسعه دادن آتش جنگ در مجموعه منطقه تلاش می‌کند. ۰۰۰ علتش هم قابل فهم است، برای این است که این جنگ تا بحال فقط به امپریالیسم و صهیونیسم فایده رسانده است. ۰۰۰ به نظر ما این جنگ به سود امپریالیسم است و در آینده هم بسود امپریالیسم است و یسه همین جهت امپریالیسم نقشه‌های گوناگونی برای توسعه این جنگ در پیش دارد. ۰۰۰ از این جهت ما امیدوار هستیم که حاکمیت جمهوری اسلامی، در مسئله تحول آینده، اوضاع سیاسی منطقه، دچار ساده نگری بعضی از مسئولان نظامی و اجتماعی نشود و با یک دید خیلی دقیق و همه جانبه و با همکاری و مشورت با کلیه نیروها و کشورهای که در جهت پشتیبانی از انقلاب ایران و در جهت مبارزه برای کوتاه کردن نفوذ امپریالیسم آمریکا در منطقه عمل می‌کنند، و با در نظر گرفتن تمام نظرات نیروهای اجتماعی فعال در خود عراق و در سایر کشورهای خلیج فارس سیاست خود را تنظیم کند."

حزب ما مجدداً در سند حزبی دیگر مورخ ۱۲ تیرماه ۱۳۶۱ هشدار داد که "نقشه امپریالیسم این است که در صورت ورود ارتش ایران به خاک عراق، با دادن همه کمک‌ها و امکانات به عراق ۰۰۰ یک جنگ فرسایشی طولانی رایبه ما تحمیل نماید. ۰۰۰ به این ترتیب ما در این باره فقط می‌توانیم این چیزی را که تا بحال گفتیم تکرار کنیم: که توطئه بسیار خطرناک و دامنداری در برابر ما در شرف تکوین است و ما با احساس کامل مسئولیت تاریخی این مسئله را تکرار می‌کنیم." حزب توده ایران هیچ بودن تزلزل و "انقلاب اسلامی" را نیز با صراحت و روشن بینی اثبات می‌نمود و دخالت دولت ایران در امور داخلی خلق برادر عراق و تلاش جهت تحمیل یک حکومت دست‌نشانده در عراق را مغایر

منافع خلق های دو کشور می‌دانست. حزب ما گوشزد می‌نمود که "برانداختن رژیم صدام در درجه اول کار نیروهای مبارز انقلابی، میهن دوست و ضد امپریالیست در داخل کشور عراق است. نمی‌شود از راه نظامی این مسئله را حل کرد. تا نیروهای داخلی عراق آماده نباشند و به اندازه کافی نیرو جمع نکنند، مسئله برانداختن صدام به اشکال دیگر می‌تواند جنبه های منفی زیادی به همراه داشته باشد (همانجا)."

حزب ما اعتقاد داشت و دارد که برانداختن صدام فقط یک راه دارد و آنهم کمک موشسور و همه جانبه به نیروهای انقلابی عراق است. حزب اظهار می‌داشت که "بایستی همه نیروهای که در اطراف عراق، هوادار تحولات انقلابی در عراق هستند، به نیروهای واقعی انقلابی و ضد صدام در داخل عراق همه جانبه کمک برسانند، تا این که این عنصر خطرناک و دارو دسته خطرناک از حاکمیت عراق برانداخته شوند و در

حزب توده ایران اعتقاد دارد که نقش زحمتکشان در پایان دادن به این جنگ فرسایشی، امروز بیش از پیش اهمیت می‌یابد. آنها با اعلام مواضع منفی خود در رابطه با ادامه این جنگ بیپرده، قادرند حاکمیت جمهوری اسلامی را به تجدید نظر در سیاست ادامه جنگ وادارند."

عراق یک رژیم مردمی، متکی به تأییدات اکثریت مطلق مردم عراق روی کار بیاید (همانجا) حزب توده ایران در رابطه با سیاست تنگ نظرانه و نفاق افکنانای که حاکمیت جمهوری اسلامی در پیوند با نیروهای داخلی عراق اعمال می‌نمود و تلاش داشت که گروه کوچکی را بعنوان نماینده اکثریت مطلق مردم عراق وانمود سازد هشدار می‌داد، که "به نظر ما هرگونه کوششی برای نفاق افکندن در داخل جبهه میهنی عراق، در داخل نیروهای که الان آماده مبارزه جدی برای برانداختن صدام هستند، عملاً ناکسی است به صدام و عملاً باعث خواهد شد که صدام را در موقع خودش تثبیت کند" (همانجا).

مدت زمان زیادی لازم نبود تا ارزیابی‌های حزب ما، درباره مرحله جدید جنگ، صحت خود را در عمل به ثبوت برساند. هر روز که بیشتر از ادامه این جنگ می‌گذرد، مضر بودن آن به حال خلق‌های ایران و عراق و کلیه خلق منطقه بیشتر آشکار می‌گردد.

کوشش‌های ایران جهت نفوذ به خاک عراق با چندان موفقیتی روبرو نگردیده و جنگ بصورت جنگی فرسایشی و بیپرده درآمده که هزاران ایرانی و عراقی را قربانی خود نموده و

امکانات عظیم مالی دو کشور را می‌بلعد و پس از گذشت ۳ سال هنوز دورنمایی برای پایان یافتن آن دیده نمی‌شود.

ادامه بیپرده جنگ روند سازش و تسلیم معاشائگران را به راستگرایان تسریع نمود و امروز به صورت وسیله‌ای جهت سرکوب هرگونه خواست به حق زحمتکشان و توجیه به تعویق انداختن حل معضلات جامعه و عدم انجام تحولات بنیادی اجتماعی - اقتصادی در آمده است.

روند فاجعه آمیز ادامه جنگ فرسایشی علاوه بر پیامد های منفی که در درون کشورمان بجای گذاشته تأثیرات بسیار منفی مخربی نیز در اوضاع منطقه داشته است. این جنگ که امکانات مادی و انسانی دو خلق برادر ایران و عراق را به کام خود میبرد، بهترین زمینه را جهت ترکانازی امپریالیسم و صهیونیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در لبنان فراهم آورده است. حاکمیت جمهوری اسلامی بجای ناله کردن بر سرنوشته مردم لبنان در نمازهای جمعه خود بهتر است تلاش نماید که هر چه زودتر این جنگ فرسایشی پایان یابد. جنگی که با تفرقه در میان خلقهای منطقه دست امپریالیسم آمریکا را جهت جنایات خود در لبنان باز گذاشته است.

هواپیماهایی که قرار است از طرف امپریالیسم فرانسه در اختیار دولت عراق قرار داده شود حکایت از تلاش امپریالیستها جهت افزایش دامنه این جنگ خانمانسوز می‌کند. این تشبثات دلالی باز هم بیشتری جهت لزوم پایان این جنگ بدست می‌دهد و ولی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بجای اینکه سعی نماید با خاموش نمودن شعله های جنگ فرسایشی، این توطئه امپریالیستی را عقیم گذارد با تهدید به بستن تنگ هرمز به امپریالیسم آمریکا جهت حضور نظامی هر چه بیشتر در منطقه و افزایش تشنج اوضاع منطقه بهانه می‌دهد.

با توجه به اوضاع درونی کشور و همچنین اوضاع منطقه، حزب توده ایران اعتقاد دارد که نقش زحمتکشان در پایان دادن به این جنگ فرسایشی، امروز بیش از پیش اهمیت می‌یابد. آنها با اعلام مواضع منفی خود در رابطه با ادامه این جنگ بیپرده، قادرند حاکمیت جمهوری اسلامی را به تجدید نظر در سیاست ادامه جنگ وادارند. سخن کوتاه! هر روز که بیشتر از ادامه این جنگ بیپرده و فرسایشی می‌گذرد، نظر حزب توده ایران در مورد جنگ مبنی بر اینکه ادامه جنگ بسود امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع درون دو کشور و منطقه بوده و لازم است هر چه زودتر به آن خاتمه داد، بیشتر به اثبات می‌رسد.

حزب توده ایران طی مراحل مختلف سه سانه جنگ، وظیفه میهنی و انقلابی خود را در قبال آن انجام داده است. سیر واقعیات، صحت ارزیابی‌های حزب ما را با دقت ریاضی نشان داده است. ما اطمینان کامل داریم که آینده باز هم بیشتر صحت ارزیابی‌های حزب ما را به مردم انقلابی ایران و نیروهای انقلابی ایران و جهان نشان خواهد داد.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

باید به جنگ غیر ضروری پایان داده شود!

بقیه از صفحه ۱
د هند، هواپیماهای سوبر اتان دارد و موشک های
اکزوتیک به او می دهند.
- اگر امریالیسم آمریکا نهان و عیان به رژیم
عراق کمک می رساند،
- اگر ارتجاع عرب با کمک های مالی و فنی و
نفراتی عملا در کنار این رژیم قرار می گیرد،
- اگر ارتش استعماری فرانسه در سرکوب نیرو
های آزاد یخواه در چاد مستقیما شرکت می کند،
- اگر امریالیست های فرانسوی و آمریکایی رأسا
و هر روز با شدت بیشتری وارد جنگ علیه مردم
میهن دوست لبنان می شوند،
- اگر نژاد پرستان صهیونیست اسرائیلی روزانه
به جنایت جدیدی علیه خلق عرب فلسطین و دیگر

و ارتجاع در سراسر گیتی دامن زدن به تشنج در
جهان و تشدید خطر جنگ هسته ای است، کسی
که به هیستری جنگ و تشنج در هر نقطه از جهان
بهر بهانه و تحت هر عنوان دامن بزند، از جمله
به عنوان " صدور انقلاب اسلامی " و به بهانه
" انتقام گرفتن از صدام "، خواسته یا ناخواسته
یار امریالیسم و عامل اجرای سیاست جهانی
اوست!

ادامه غیر ضروری جنگ

علیه منافع خلقهای ایران و عراق

هدف از ادامه جنگ غیر ضروری بین ایران و
عراق، همانطور که بارها از طرف مقامات جمهوری
اسلامی ایران اعلام شده است، " صدور انقلاب
اسلامی به عراق " و ایجاد یک " دولت
(دست نشانده) اسلامی " حاکم بر سرنویشت
مردم عراق است! دولتی، که همانند حاکمیت
جمهوری اسلامی ایران به سرکوب همه دگرس
اندیشان بپردازد و مخفان علیه آزاد یخواهان
را تشدید کرده، مواضع سرمایه داری وابسته را
در عراق هم تثبیت سازد!

با این اعترافات روزانه مقامات عالی رتبه ج ۱۰۱۰
روشن است، که هدف از ادامه این جنگ، نه
حفظ تمامیت ارضی ایران است و نه تأمین منافع
ملی ایران، بلکه مقصود از ادامه جنگ دنیال
کردن اهداف خیالی پدرازانه و توسعه گرانه
حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و ایجاد دولت
(دست نشانده) اسلامی در عراق، یعنی سلب
حق تعیین سرنویشت مردم عراق و نه، آنطور
که مدعیان، کمک به آنها برای سرنگونی صدام و
ایجاد یک دولت دلخواه خود!

آری هدف از ادامه جنگ لگد مال کردن حق
تعیین سرنویشت خلقهای دیگر و تحقق اهداف
خیالی پدرازانه است، که در آن جوانان و نو-
جوانان میهن ما به گوشت دم توپ تبدیل می-
شوند، انقلاب میهن ما و اهداف آزاد یخواهانه و
استقلال طلبانه آن فدا می شود، تشنج در
منطقه دامن زده می شود و با تهدید به بستن
آبراه تنگ هرمز به جا افتادن و مقبل شمسدن
سیاست مزورانه و بیبانه جویانه امریالیستی، منی
بر لزوم دفاع از " منافع
حیاتی امریالیسم آمریکا و کشورهای سرمایه داری "
در خلیج فارس، توسط امریالیسم آمریکو پدست
سپاه تجاوز سرخ آن در افکار عمومی جهان کمک
رسانده می شود!

زحمتکشان پایان جنگ را می طلبند

مدتها است، که وقت آن رسیده است، که
یک سیاست ملی و در خدمت منافع زحمتکشان راه
پایان جنگ غیر ضروری ایران و عراق را باز سازد.
لزوم اعمال این سیاست را زحمتکشان میهن مسا
هر روز بیشتر احساس می کنند و آنرا مطرح می-
سازند. باید همه میهن دوستان با تمام تسوان
برای تحقق این خواست زحمتکشان، به کمک آنها
بشتابند. زیرا بدون آمادگی توده های میلیونی
زحمتکشان شهر و ده برای پافشاری بر روی این
خواست میهن دوستانه خود، حاکمیت جمهوری
اسلامی ایران در این راه قدم نخواهد گذاشت!

خلقهای خاورمیانه دست میزنند،
- اگر امریالیسم آمریکا در السالوادور، نیکاراگوئه
و دیگر کشورهای آمریکای مرکزی و لاتین به سر-
کوب جنبش های آزاد بیخش و انقلابات ضد امپری-
الیستی و مردمی مشغول است و عوامل آن در
فیلیپین، پاکستان و ترکیه به همین وظیفه ضد
خلقی عمل می کند،
- اگر امریالیست ها با اقدامات مفسده جویانه
علیه کشورهای سوسیالیستی و علیه صلح جهانی،
تشنج را در جهان دامن میزنند و هر روز بیشتر
و بیشتر تدارک یک جنگ خانمانسوز جهانی را
با مدرن ترین سلاحهای امحاء دسته-
جمعی می بینند،
آری، اگر اینروزها که سیاست جهانی امریالیسم

نه! آقای رئیس جمهور!...

بقیه از صفحه ۴
خود - و شاید برای دل داری دادن به خود! -
به یاد " همراهی ها " و ایثارگری ها و طبیعت
و روحیه مردم ما " افتاد و چند جمله ای به زبان
راند و با همان لحن آفرانه و تحکم آمیز برای
" آن کسانی، که این روحیه و احساس را هنوز از
آن رژیم گذشته برای خود نگاه داشتند، که در مقابل
مقرارت دولتی آن چنانکه لازم است تسلیم
نشوند " خط و نشان کشید، که آنها " بایسد
بدانند که وضع حکومت اسلامی اینگونه است! "
حجت الاسلام خامنه ای، به نقل خاطرهای می-
پردازد:

" دو سال قبل از این ... پیغام
دادیم، خطاب کردیم به مردم. گفتیم یک قدری
آب را کمتر مصرف کنید. از لحاظ آب در مشیقه
بودیم. برای من نامه نوشتند، از مردم محلات
پائین شهر که فلانی اگر شما ها بگوئید، آب را با
قطره چکان هم بخوریم، حاضریم ... این
طبیعت و روحیه مردم ماست ... "

بله! این طبیعت و روحیه مردم ماست! مردمی
که بر اساس ادعاها و وعده و وعید های شما - سر
نوشت خود را به دست شما سپردند. خود را
در محرومترین رتبه های خود آتش زدند، تا
انقلاب بر جای بماند. فرزندان نشان رادردیایی
از خون، غسل دادند، تا انقلاب به جای بماند،
و با پشت دوتا، پینه دست و گرانی افراشته،
کار کردند و رزمیدند و ساختند، تا انقلاب بر جای
بماند: این طبیعت و روحیه مردم ماست! ولی
این " طبیعت و روحیه " ابعد دیگری هم
دارد. همان کسانی که حاضر بودند " با قطره
چکان " آب بخورند، اکنون که پس از دو سال می-
می بینند، وضع بهتر که نشده، بدتر هم شده، به
اعتراض بر می خیزند و می گویند:

" بنویسید، بچه های شهرک مسعودیسه،
اغلب شبها، تشنه سر به بالین می گذارند. ...
(کیهان ۸، تیر)

می گویند:
" بنویسید، بخاطر خدا، فکری بسرای آب
آشامیدنی حدود دو، سه هزار خانوار، ساکن
منطقه گلزار ... بکنند ... (اطلاعات، ۵
شهریور)
می گویند:
" در منطقه زیبا دشت ۴۰۰۰ دو سه هزار
خانوار زندگی می کنند که با داشتن جوی از
شهرداری خانه سازی کرده اند. این خانوارها
که در حال حاضر آب آشامیدنی ندارند، از سازمان
های مسئول انتظار کمک و همراهی دارند. ...
(اطلاعات، ۱ شهریور)

و این تنها نمر بارانی است، از سیلاب توفنده
اعتراض مردم ... تنها کسانی پر ایمن
واقعیات چشم می بندند، که چیزی بیشتر از
سپهشان، برای از دست دادن، دارند!
امام جمعه تهران، در پایان خطبه خود نتیجه
می گیرد:

" واجب الاطاعه بودن این دستگاه و تشکیلات
... یک چیزی است مخصوص دولت اسلامی ...
این را دیگران ندارند ...
بی کم و زیاد، ما نیز با این حکم موافقیم و پی
ذره ای تردید، زیر آن را امضاء می کنیم! ایمن
ویژگی هم از خصوصیات جمهوری اسلامی است،
که به برکت ترور و شکنجه مدافعان انقلاب و زیر
سر پشوش سربری یک اختناق سازمان یافته و
سرکوبگر بدست آورده و " با افتخار " از آن
تخرابست " می کند. امری که در واقع، به وظیفه
روز حاکمیت بدل شده است. اما مردم بیدار و
بیدار کننده، ما هم، وظیفه خود را دارند و آنرا
بخوبی می شناسند. به قول رفیق شهید
هوشنگ تیزایی:

" مردم سرزمین ما پیادگان بی اراده، یک
شطر نیچ پیچ نیستند! "

کمونیسست‌ها و دمکرات‌ها از توده‌های در بند دفاع می‌کنند

آلمان فدرال

در تاریخ نهم سپتامبر (۱۸ شهریور) در تیشتی که حزب کمونیست آلمان، ششمین کلیه به عنوان همبستگی با حزب توده* ایران برگزار نمود، حاضرین در جریان وقایع اخیر ایران - اعمال فشار و تضییقات علیه حزب و اعضای آن قرار گرفتند و ضمن محکوم نمودن این اعمال، یکصد آزادی زندانیان توده‌های و کلیه دمکرات‌های در بند و از سر گرفتن فعالیت قانونی حزب توده ایران را خواستار گردیدند و بر لزوم اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان، جهت دیدار با زندانیان تأکید ورزیدند. آنان همچنین، کلیه نیروهای ترقیخواه را به پشتیبانی از حزب توده ایران فرا خواندند.

اعضای انجمن دوستی میان خلقهای کوبا و آلمان فدرال در اولد نیورگ طی نامه‌ای که به سفارت جمهوری اسلامی ایران در بن ارنسال کردند، با اشاره به وقایع اخیر ایران به بازداشت شکنجه و آزار رهبران و اعضای حزب توده* ایران شدیداً اعتراض نمودند و اعمال تضییقات بر علیه حزب توده* ایران - این مذاقبع پیگیر منافع زحمتکشان را در خدمت منافع امپریالیسم آمریکا دانستند.

امضاء کنندگان نامه، ضمن بر شمردن خصوصیات انقلابهای رها فیکش و وجه مشترک عمد* آنها که همانا مبارز علیه استعمار و امپریالیسم است، به تشریح توطئه‌های آمریکا علیه انقلابات کوبا و ایران پرداخته، به نقش مهمی که اردوگاه سوسیالیسم در دفاع از این انقلابات برعهده دارد، اشاره کرده‌اند. آنان پیروزی انقلابات را در بهبود بخشیدن به وضع کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان دانسته و بدین مناسبت، جو خفقان و ترور موجود را در مورد سازمانهای مرفقی مدافع انقلاب و اعضای آنها که مانع از پیشبرد این امر می‌گردند، مردود دانستند. اعضای "انجمن دوستی میان خلقهای کوبا و آلمان فدرال"، در خانه، خواستهای زیر را مطرح ساخته‌اند:

- پایان بخشیدن به تعقیب و پیگرد اعضا و هواداران حزب توده* ایران و آزادی کلیه زندانیان توده‌های،
- قطع فوری شکنجه‌ها در مورد بازداشت شدگان - موافقت با اعزام هیأتی بین‌المللی، مرکب از پزشکان و حقوقدانان، جهت دیدار با زندانیان و بررسی وضع آنان از نزدیک.

اسپانیا

کمیسیون‌های کارگری مناطق کاتالونیا و پارسلن، طی مخابره* تلگرامهایی به رئیس مجلس شورای اسلامی در سفارت جمهوری اسلامی در اسپانیا، بنام کارگران این مناطق، نسبت به اعمال تضییقات در مورد حزب توده* ایران و شکنجه و آزار اعضای آن - شدیدا اعتراض نموده، آزادی بلاد رنگ زندانیان توده‌های و سایر

مبارزین ضد امپریالیست در بند را خواستار گردیدند.

اتحادیه عمومی زحمتکشان ناحیه کاتالونیا (وابسته به حزب سوسیالیست) اعتراضات شدیدی خود را نسبت به اعمال روشهای غیرقانونی و ضد بشری علیه حزب توده* ایران و سندیکا های کارگری، و اعضای آن، ضمن مخابره* تلگرامی به مقامات جمهوری اسلامی اعلام داشتند و خواستار پایان دادن به این اعمال گردیده است.

بریتانیا

در شماره* پنجشنبه هشتم سپتامبر (۱۷ شهریور) روزنامه* مورنینگ استار، ارگان حزب کمونیست بریتانیا، مقاله‌ای بقلم پتر دافسی، دبیر " کمیته* دفاع از انقلاب ایران " در بریتانیا بچاپ رسیده، که طی آن جریانات اخیر ایران و وقایعی که انقلاب کشور ما را به سرانجام سقوط کشانده است و از جمله سرکوب حزب توده* ایران و سایر نیروهای مدافع انقلاب ایران، بررسی گردیده است. نویسنده مقاله همچنین به تاریخچه تشکیل " کمیته دفاع از انقلاب ایران " در بریتانیا، بابتکار افراد مرفقی این کشور و دوستداران انقلاب میهن ما اشاره نموده و اهداف مردمی انقلاب و تحریکات و توطئه های امپریالیسم آمریکا را با بهره گیری از زمینه های اقتصادی - سیاسی موجود، جهت، منجر ف

کردن و به نابودی کشاندن آن تشریح کرده است.

در پایان مقاله، بنام " کمیته* دفاع از انقلاب ایران "، بار دیگر طی فراخوانی از کلیه دمکرات‌های بریتانیا خواسته شده است که ضمن محکوم کردن جنایات حاکمیت جمهوری اسلامی در حق اعضای حزب توده* ایران و سایر نیروهای ضد امپریالیستی، برای آزادی آنان از بند تلاش کنند و در راه تحقق این هدف، از خواست اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک، پشتیبانی کنند.

ریزوسپاستیس:

بقیه از صفحه* ۳
و طرفدار زحمتکشان و تهی‌دستان است، غیر- مترقبه نیست. به همین خاطر نیز هست، که سرکردگان جمهوری اسلامی در اعلامیه‌ها و نطق‌های بی دریغ خود، بر نابودی و ریشه‌کن کردن حزب توده* ایران تأکید می‌کنند.
ریزوسپاستیس در خانه با توجه به سخنان دادستان کل زندان اوین، مبنی بر اینکه رهبران در بند حزب توده* ایران اعدام خواهند شد، همبستگی بین‌المللی با کمونیست‌های ایران را برای نجات جان آنان، فوری‌ترین وظیفه اعلام کرده است.



دکتر هربرت ایتنر، نویسنده آمریکایی و عضو کمیته* مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده* آمریکا، در حال سخنرانی در مراسمی که در رابطه با همبستگی با زندانیان توده‌های در لوس آنجلس برگزار گردید (مشروب* "اسپانیا" در "راه توده* شماره* ۸۸ آمده بود).

در هفته ای که گذشت:

۱۳۶۲، آغاز پنجمین سال تحصیلی پس از انقلاب ۲۲ بهمن

پنجمین سال تحصیلی پس از انقلاب ۲۲ بهمن در حالی آغاز می شود، که انقلاب در سرآشوب تنگ سقوط است. غول گرانی، که به سر آمد و ش زحمتکشان میهن ما سوار است، با باز شدن مدارس سنگینتر شده و فشار بیشتری بر زحمتکشان وارد می کند.

روزنامه کیهان (۱۴ شهریور ۶۲) طی مصاحبه ای با یکی از خریداران لوازم التحریر نوشت:

"من پدر پنج فرزند قد و نیم قد هستم که با شروع سال تحصیلی باید برای همه آنها وسایل تحصیل فراهم کنم. من این چندروزه اخیر برای یافتن لوازم تحصیل بچه هایم به قیمت مناسب تقریباً به تمام مغازه ها سرزدم اما جای تحجب است که یکی از این مغازه ها نبود که دفتر، قلم، پاک کن و مداد خود را طبق قیمت های دولتی بفروشد. قیمت ها چند برابر قیمت های سال گذشته است و در مورد بعضی از کالاها نظیر کیف مدرسه افزایش قیمت به حدود ۵ برابری رسیده است."

پیداخت شهریه را نیز که به عناوین مختلف از جمله تحت عنوان "کک به مخارج مدرسه" از سوی مسئولین مدارس طلب می شود، باید به مخارج تحصیل افزود.

علاوه بر بار گرانی طاقت فرسایی که بردوش زحمتکشان، سنگینی میکند و باعث می شود که هر سال تعداد بیشتری از دانش آموزان ترک تحصیل کرده و برای امرار معاش خود و خانواده راهی کارگاهها شوند، سیاست های تضییعی راستگرایان که توسط عواملی چون "انجمن اسلامی" و "مریجان تربیتی" و ... بر علیه دانش آموزان و معلمان و مسئولین دلسوز مدارس وارد می شود نیز همچنان با شدت بیش از پیش ادامه دارد.

تا کنون، و بویژه در سال گذشته نیروهای راستگرا و عناصر مشکوک تلاش داشتند تا با رفتاری غیر انسانی در محیط های آموزشی جو ارباب و فشار بوجود آورند و با آزار بیش از حد معلمان و دانش آموزان، آنها را ناراضی و دلسرد کنند.

پاکسازی معلمان متعهد و باتجربه، اخراج دانش آموزان از مدرسه به بهانه نداشتن حجاب متناسب، رفتار و برخورد اهانت آمیز انجمن های اسلامی با دانش آموزان و معلمان و حتی مورد بازجویی قرار دادن آنان و دخالت در کلیه امور مدرسه، گرفتن تعهدنامه های چند ماهی از سوی مسئولین، اخراج دانش آموزان بجرم دفاع از بند "ج" و قاتلین ملی شدن تجارت خارجی در طی انشا و یا

بخاطر چسباندن تراکت مرگ بر آمریکا بر دیوار مدرسه، اخراج و عدم نام نویسی دانش آموزان انقلابی دگراند پیش به جرم تودهای، اکثریتی و مجاهد، از جمله اقدامات این نیروهاست.

کلاس های درس در سال تحصیلی جدید، بیش از سال گذشته شاگردان نوجوان خود را در جنگ فرسایشی از دست داده اند. نو-جوانانی که، با ایشار جان از تمامیت ارضی میهن انقلابی دفاع کردند و اکنون خون پاکشان وشیقه تحکیم خائنانه، مواضع راستگرایان و قبضه حاکمیت ج ۱۰۱۰ از سوی آنان با تحمیل نظام فارتگر سرمایه داری به میهن ما شده است.

آمار قبولی ها و ردی های سال گذشته نیز بیانگر وضع تأسفبار آموزشی است. در ۴ بنسال تحصیلی گذشته اکثر دانش آموزان، بویژه در دوره راهنمایی و دبیرستان، تجدید یاد شد هاند. در روستاها وضع به مراتب بدتر است. باید گفت با سیاستی که حاکمیت ج ۱۰۱۰ در پیش گرفته، مشکلات آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران بیشتر و عمیقتر خواهد شد.

فاجعه ای بنام "انقلاب فرهنگی"

چندی پیش در ترکیب "ستاد انقلاب فرهنگی" تغییراتی بوجود آمد. بدون تردید هیچگونه انتظاری نباید داشت که ترکیب جدید این ستاد در جهت رفع سیاست خرابکارانه و فرهنگ زدائی ترکیب قبلی عمل کند و اصولاً نمی تواند خارج از چهار چوب سیاست فاسد انقلابی راستگرایان حاکم برج ۱۰۱۰ عمل نماید. راستگرایان تا می توانستند به بهانه های گوناگون مانع بازگشایی دانشگاه ها شدند و با اخراج و تعلق گسترده استادان و دانشجویان با تعهد نامه های رنگارنگ و ضد قانون اساسی و ارائه پرسشنامه های سراپا غیرقانونی، کشور را از کادرهای متخصص محروم کرده، فرهنگ ریا و دورویی را اشاعه داده و جو علم ستیزی را گسترش می دهند.

یکی از بهانه های تعطیل دانشگاه ها پایان دادن به "فعالیت های خرابکارانه" ضد انقلاب راست و چپ نما "در دانشگاه ها" عنوان می شد. ولی با تعطیل شدن دانشگاه ها و تصفیه وسیع نیروهای دگراند پیش و کمانی، که نظری غیر از نظر حاکمیت داشتند، روشن شد که سرنوشت آموزش کشور، که آینده میهن به آن بسته است، بازچه امیال و تعلقات گروهی افرادی شده است که به تنها چیزی که نمی اندیشند سرنوشت کشور و آینده صدها هزار از جوانان میهن است.

از یکسو عده ای درون "ستاد انقلاب فرهنگی" تیشه به ریشه فرهنگ و آموزش کشور زدند، و از سوی دیگر ارگانها و گروه های چون "جهاد دانشگاهی" و "انجمن اسلامی" و ... هر یک

به فراخور حال خود یک تاز میدان شده اند. تا دیروز دانشجویان مورد تهدید عوامل آشکار و نهان ساواک در دانشگاه ها قرار میگرفتند و امروز "انجمن اسلامی" مأمور کنترل و زیر نظر قرار دادن دانشجویان هستند.

"تفتیش عقاید" که با امتحان ورود به دانشگاه توسط "وزارت فرهنگ و آموزش عالی" انجام می شود، در طی دوران تحصیل دانشجویان نیز ادامه داشته و آنان همواره تحت کنترل "انجمن های اسلامی" بوده و کلیه اعمال و رفتار و گفتار دانشجویان دقیقاً مورد پیکاری قرار میگیرد. بگذریم از اینکه پس از خاتمه تحصیلی نیز کاپوس "تفتیش عقاید" دست بردار نیست و به هنگام استخدام و ... باز ظاهر می شود.

درگیریهما و اختلافات و باند بازیهای بیمن "ستاد انقلاب فرهنگی" و "جهاد دانشگاهی" و "انجمن اسلامی" و "وزارت فرهنگ و آموزش عالی" و ... هم مزید بر وضع آشفته و نسا-پسامان آموزش عالی شده و دانشگاه های باز-گشایی شده نیز دائماً در معرض تشنج و تعطیل قرار داشته اند.

بقول معروف "آش آنقدر شور است که خان هم فهمیده است" و روزنامه "صبح آزاد گان" (۱۶ شهریور ۶۲) در سرمقاله خود بنام "دانشگاه و انقلاب" می نویسد:

"این مسائل کم و بیش ادامه داشت تا اینکه اقدام به گشایش برخی از موسسات گردید ولی در عرض توجه تمامی ارگان ها و نهاد های مسئول به اداره موسسات بازگشائی شده به نحو احسن، درگیری های پنهانی به درون دانشگاه کشیده شد. در یکسو نیروهای انجمن اسلامی حصار آهنین پیرامون خود کشیده و تصور می کردند که تافته های جدا بافته هستند و باید به دیگر دانشجویان فخر بفرشند و در سوی دیگر جهاد دانشگاهی تمامی امور اجرایی و آموزشی را در انحصار گرفته بود. روزی استاد در اثر برخورد با عناصر غیر مسئول توانائی تدریس نداشت، روز دیگری بدلیل برگزاری مراسمی از سوی برخی دانشگاه ها تعطیل می شد. زمانی با نصب اطلاعاتی غیر منطقی جو متشنج می گردید. و زمان دیگری تمامی امکانات در اختیار گروه خاصی قرار میگرفت."

آری، تنها ارمغان فاجعه ای که بنام "انقلاب فرهنگی" در کشور انجام شد، انهدام فرهنگی است.

سمتگیری

سیاست بازرگانی بطرف غرب

سکر اولادی، وزیر سابق بازرگانی، که سیاست ضد ملی بازرگانی خارجی و ضد مردمی توزیع داخلی اش معرف حضور فام و خاص است، بعد از اینهمه جار و جنجال، مجبور شد جلی خود را به وزیر جدید بازرگانی، حسن عابدی جعفری بدهد.

وزیر جدید بازرگانی بلافاصله پس از تصدی بقیه در صفحه ۱۲

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲
پست وزارت، با وزیر بازرگانی پاکستان آمریکازده دیدار کرد و خاطر او و اربابانش را از بابت اینکه مخلصانه سیاست بازرگانی عسگر اولادی را ادامه خواهد داد، آسوده کرد.
" خرید ما از پاکستان نه بعلت ارزان بودن کار و یا بهتر بودن کیفیت آن و نه بعلت همسایه بودن است، بلکه بعلت اینست که ما روابط معتقدی بر اساس اسلام با مردم (بخشوان یا ضیا الحق) پاکستان داریم" (حسن عابدی جعفری بهنگام دیدار با وزیر بازرگانی پاکستان، اطلاعات، ۲۰ شهریور ۶۲).

و این سیاست حتی به قیمت متضرر ساختن مردم میهن ما اعمال می شود:

"چرمی که این روزها به ما می دهند، بیشتر چرم پاکستان است. گذشته از این که مقدار آن کافی نیست، از نظر کیفیت نیز ۰۰۰ بسیار نامرغوب است" (حاج حبیب چمن پیرا، کفاش تبریزی، اطلاعات، ۱۰ شهریور ۶۲).

وزیر جدید بازرگانی از راه نرسیده حاتم بخشی پیشه کرده، بحساب کیسه مردم بزدل و بخشش میکند! اینکه کالاهای رژیم نظامی پاکستان ارزان باشد یا نباشد، مرغوب باشد یا نباشد، مسافت حمل کالا کم باشد یا نباشد برای وزیر جدید بازرگانی ملی السویه است؛ آنچه که برای وی اهمیت دارد "روابط اعتقادی بر اساس اسلام" با رژیم آمریکا زده پاکستان است! خرج که از کیسه میهنان بود

حاتم طائی شدن آسان بود! وزیر جدید بازرگانی با اعلام اینکه "سعی در وارد کردن کالاهای سرمایهای بمنظور بسا لا بردن سطح تولیدات داخلی و رسیدن به خودکفایی" (!) خواهد نمود، سمت گیری سیاست بازرگانی را اعلام کرد.

در اینجا تذکر این نکته ضرور است، که افزایش واردات کالاهای سرمایهای بخودی خود نشانگر رشد سالم صنعتی نیست و بستگی به ترکیب و کاربرد نهایی آنها دارد. فقط آن کالاهای سرمایهای، که هدفش رشد صنایع کلیدی باشد میتواند موجب رشد سالم صنعت و رسیدن به خودکفایی باشد (رجوع شود به مقاله "سخنی چند پیرامون برنامه پنجساله دولت" راه توده شماره ۵۹).

در این سیاست اعلام شده حتی کلمهای هم از توزیع داخلی، که برای مردم اهمیت حیاتی دارد، آورده نشده است! به معضل بزرگ اجتماعی یعنی احتکار، گرانی، کمبود و غیره مطلقا اشارهای نشده است!

چنین است آینده سرنوشت میاسست بازرگانی خارجی و توزیع داخلی از گیر دزد درآمد، به گیر ربال افتاد!

بازدید!

در روزهایی که مردم جهان شاهد اوج جنبش اعتراضی علیه رژیم دیکتاتوری ژنرال ضیا

الحق در پاکستان هستند، در روزهایی که مردم پاکستان با سنگباران از ژنرال ضیا الحقی استقبال کرده و او را مجبور به فرار می کنند، درحالیکه هنوز چند روزی از بازدید مقامات بلند پایه پاکستانی از ایران نگذشته، وزیر امور خارجه ج ۰۱۰۱۰ دز اسلام آباد مورد استقبال گرم همتای خود قرار گرفته و ضمن اظهار خرسندی از حضور در پاکستان، روابط دو کشور را عالی توصیف می کند و در خصوص توسعه روابط دو جانبه به بحث و تبادل نظر مینشیند.

سردمداران ج ۰۱۰۱۰ که همکاران دوستان خویش را در وجود رژیمهای دیکتاتوری و دست نشانده آمریکا در منطقه باز یافته اند به اینسن دلیل به ملاقاتهای پی در پی با مقامات بلند پایه رژیم دیکتاتوری، که دستش تا آستین درخون مردم پاکستان آلوده است، می پردازد تا تا بقول رئیس جمهور، "این روابط از دست دشمنان آن مصون بماند"!!

از سوی دیگر خبرگزاری ج ۰۱۰۱۰ نیز برای آنکه خدشهای به این مناسبات وارد نگردد در کوب مردم پاکستان را عادی جلوه گر ساخته و میگوید:

"به همین مناسبت (منظور تظاهرات مردم پاکستان علیه ضیا الحق است) ارتش مجبور شد نظم را برقرار سازد"!! (اطلاعات، ۲۰ شهریور ۶۲).

در واقع این ملاقاتهای گرم با رژیم آمریکا زده پاکستان، که زیر غریبه مبارزات مردم در حال سقوط است، در حکم بازدید از دیدار ژنرال ضیا الحق در زمان اوج جنبش مردم ایران علیه رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی و به منظور کمک به بقای آن است. مردم ایران و پاکستان شاهدند که چگونه ج ۰۱۰۱۰ مبارزات ملت را نادیده میگرد و از هر توجیهی برای دستیابی به مناسبات گسترده با رژیمهای دیکتاتوری و امپریالیستی استفاده میکنند.

پرچمدار عدالت باشیم" (فرمانده کل سپاه پاسداران، اطلاعات، ۱۷ شهریور ۶۲).
اگر خیال پرستی افسار گسیخته را با کودنی سیاسی در آمیزیم، معجون بدست می آید بنام تراوشات مغزی "ملی گرایان شونیستی از نوع فرمانده کل سپاه پاسداران! فرمانده سپاه پاسداران و همپالکی هایش چه گلی بسرت سر عدالت در جامعه ایران زده اند که پرچمدار آن در سطح جهان هم باشند؟!
..... دولت جمهوری اسلامی ایران

موظف است سیاست خارجی خود را بر پایه افتتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیریه عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. آنوقت تشکیل واحد سیاسی بزرگ جهانی تحت لوای اسلام امری طبیعی خواهد بود" (اطلاعات ۱۷ شهریور ۶۲).

این حکومت اسلامی چیزی جز حکومت جمهوری اسلامی ایران، که به قتل و آرزوی رئیس جمهوری "به سمت انسجام نیروهای مسلمان پیش می رود" نمی تواند باشد!

زمانی پرچم "اتحاد اسلام" را شاهانی از نوع عبدالحمید، امرا طور عثمانی، و ناصرالدین شاه، سلطان مستبد قاجار، هر چند ی یکبار به حرکت در آوردند، و اکنون دولت مرتجع عربستان - سعودی برای استفاده از اسلام به منظور مبارزه علیه طرفداران ترقی اجتماعی و برپایه مخالفت با کمونیسیم، تنور "پان اسلامیسیم" را گرم نگه داشته است.

خیال لبردازی بیمارگونه آینده وحشتناکی را برای خلقهای میهن ما ترسیم می کند، آیند های که در آن جوانان سر و قد به عنوان گوشت دم توپ سرکردگان جمهوری اسلامی برای جهان گشائی و ایجاد "واحد بزرگ جهانی تحسنت لوای اسلام" آنها جان بسپارند!

حرفا و حرف

امید کاذب!

"ما امید داریم در این آباد بیهوشگشت و زرع بیشتر و ظالم دستش قطع شود و مملکتی داشته باشیم که همه جا، به حق خود برسند. (آیت الله مهدوی کنی، اطلاعات، ۱۴ شهریور).
- به همین امید هم، لایحه اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب را در زمان عضویت خود، در شورای نگهبان رد کردید!

سرضیاء الحق سلامت!

"رهبر اتحادیه مسلمانان پاکستان در زندان بطرز مشکوکی جان سپرد" (اطلاعات، ۱۴ شهریور).

- جمهوری اسلامی: - سر ضیاء الحق سلامت! ما که طبق سیاست "نه شرقی، نه غربی" قرارداد های پلطن را می بندیم!

خیال پرستی بیمارگونه

ما در "راه توده" شماره ۵۷ نوشته بودیم که "نخوت و غرور یکی از بیماری های مزمن و خطرناکی است، که مقامات جمهوری اسلامی مدتهاست بدان مبتلایند". در کنار این بیماری بیماری دیگری نیز وجود دارد که آنهم مدت ها است دامن سرکردگان جمهوری اسلامی را فرا گرفته است: بیماری خیال پرستی!

خیال پرستی شونیستی یک بیماری تاریخی طبقاتی است. مقامات جمهوری اسلامی جهت فرار از واقعیات سخت و دردناک، به امیدهای واهی پناه می برند، تا بدینوسیله هم خود را راضی کنند و هم افکار ملت ایران را از واقعیات جامعه و فاجعه های که در حال وقوع است، منحرف کنند:

"ما باید ارتش بزرگ جهانی اسلام را تشکیل دهیم تا این لیاقت و شایستگی را پیدا کنیم (تا) در ستیز با کفر جهانی

از تاریخ پیاموزیم

اعلامیه‌ای از طرف دانشجویان هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هند به مناسبت کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد تحت عنوان "از تاریخ پیاموزیم" به دست ما رسیده است. "راه توده" در زیر قسمتهای از آن را برای اطلاع خوانندگان خود نقل می‌کند.

در اعلامیه با اشاره به کوشش امپریالیسم و ارتجاع برای "تحریف تاریخ جنبشهای انقلابی" که بمنظور ضربه زدن به "اتحاد نیروهای ملی و ضد امپریالیسم با جنبش کمونیستی" انجام می‌شود، به تلاش این محافظ برای تحریف تاریخ جنبش انقلابی ایران اشاره می‌شود:

"برای تحریف تاریخ جنبش انقلابی ایران و بویژه تلاش... برای سیاه کردن چهره درخشان و فداکار کمونیستها و جلوگیری از اتحاد همه نیروهای انقلابی ضد امپریالیستی بسیار شدید است - خروارها کاغذ علیه حزب توده ایران و علیه کشورهای سوسیالیستی سیاه شده و طی دوره سیاه ۲۵ ساله پس از ۲۸ مرداد دها گروه ضد انقلابی فقط به قصد لجن پراکنی ضد کمونیستی مثل قارچ بر تنه پوسیده ساواک روئیده و پس از مدتی خرابکاری از میان رفتند تا جای خود را به دیگری واگذارند."

در اعلامیه به "پایه تبلیغاتی کودتا" که آنرا هیاهوی "خطر شوروی" و "خطـر

تودهایها" تشکیل میداد، اشاره می‌شود، که موجب بی‌سرانجامی وحدت خلق گشت و نیروهای ملی، که خود را مسلط می‌پنداشتند "هکاری (با) حزب توده" ایران را برای مقابله با خطر واقعی رد کرد (ند) کودتای شوم موفق شد.

سپس از کوشش جهت ارتجاع برای ناپودی فیزیکی حزب توده ایران صحبت می‌شود، که علیرغم "اهداف، زندانی و تبعید نمودن" اعضا و فعالین آن، بی‌ثمر ماند:

"خون سرخ شهیدان توده‌های برای آن جاری شده که امواج سیاه نفت بار دیگر بسوی غرب جریان یابد. فرزندان مزدک و بابک، حمیدر عواظلی و ارانی یعنی سیامکها، کیوانها، میشری‌ها، وکیلیها، روزنها و... به شکنجهگاهها و میدانهای تیر فرستاده شدند تا حاکمیت مطلق امپریالیستها را بر حیات ملی ما مسلط کنند. برای شکست جنبش انقلابی مردم مبارز میهنمان ابتدا از حزب توده ایران شروع کردند، آنرا "جاسوس" و "توطئه‌گر" خطاب کردند و بدین وسیله "غیرقانونی" و "منحله" اعلام نمودند، و اضافه می‌کنند:

"امروز هم عناصر نفوذی و عمال امپریالیسم، ساواک‌های به جمهوری اسلامی پیوسته و راست‌گرایان برای شکست انقلاب ضد امپریالیستی و مودی

میهنمان از حزب توده ایران آغاز کرد هاند. آنان برای خدشه دار کردن مشی انقلابی حزب توده ایران - حزبی که در راه تحقق عدالت اجتماعی و حقوق کارگران و زحمتکشان ایران، قاطعانه و خستگی ناپذیر تمامی توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم و راستگرایان را افشا نموده است - "استادی" از زبانه دان تاریخ بیرون میکشند. دشمنان انقلاب و مردم و اجرا کنندگان طرح "برزیسکی" این باز هم همان جعلیات سیا ساخته و اتهامات قالبی ساواک را علیه حزب توده ایران پراه انداختند تا به آسانی بتوانند روند نزدیکی پسه غرب را تسریع نمایند و فارتگران کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را حاکم گردانند."

در خاتمه با اشاره به فراخوانهای متعدد حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مبنی بر لزوم ایجاد "جنبه" متحد خلق "مسئولین جمهوری اسلامی ایران افشا می‌شوند، که:

"بر عکس بجای فراگیری از تجارب ۲۸ مرداد، راه تفرقه، راه شوروی ستیزی و کمونیست ستیزی و "راه سوم" را در پیش گرفتند و زمینه را برای برگشت انقلاب و غلبه راستگرایان و مدافعان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان هموار کردند."

اعلامیه با شعار "مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا" بر قرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جنبه متحد خلق "پایان می‌یابد."

نامه خوانندگان

نامه‌ها و اشعار زیادی از رفقا و دوستان به بدست ما رسیده است. "راه توده" کوشش خواهد کرد که بتدریج محتوای نامه‌ها و اشعار رسیده را چاپ کند. بخشی از اشعار و نامه‌ها بقرار زیرند:

دوست گرامی

ح - غ

نامه کوتاه شما با کاریکاتورها و شعر رسید. از آنها بوقع استفاده خواهیم کرد. خوشحال می‌شویم، اگر امکان تماس متقابل با شما بوجود آید.

x مجموعه شعری تحت عنوان "زندگی" توسط سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پاکستان در تقدیم به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رسیده است.

x از دوست مسلمانی با نام مستعار حمید نامه‌ای درباره "رفتار ناجوانمردانه حکومت جمهوری اسلامی با تودهایها" بدست ما رسیده است.

خاطره شهید سعادتی گرامی باد!

بیش از ۲ سال از شهادت محمدرضا سعادتی میگذرد. او در ششم مرداد ۱۳۶۰ در روز زندان اوین بخاطر جرمی، که مرتکب نشده بود، تیرباران شد.

سعادتی هنگام تیرباران به علت اتهام واهی جاسوسی برای اتحاد شوروی، که در اوائل سال ۵۸ بدان محکوم شده بود، مشغول گذراندن دوران ده ساله محکومیت خود بود.

سعادتی قبل از پیروزی انقلاب سالها در زندان های شاه - ساواک بمر برده بود ولی مدتی از پیروزی انقلاب نگذشته بود که مجدداً به سلست پرونده سازی نیروهای قشری و راستگرایان درون حکومت، مجبور شد بهترین سالهای عمر خود را در زندان بسر ببرد. ولی این نیز راستگرایان و قشربون را ارضا نکرد. آنها هیچگونه حقی، حتی حق حیات، برای نیروهای دگراند یسش و قوادار به آماجهای انقلاب مردم قائل نبودند. سعادتی به رغم ظلمی، که بر او رفته بود به آرمانهای انقلاب وفادار ماند و تا آخرین لحظات عمر نیز استوار بر سر میثاقی که با خلق خود بسته بود پایمردی کرد. راستگرایان و قشربون نمی‌توانستند این "جرم" او را ببخشند،

لذا با سوء استفاده از شرایطی، که بعد از پرتو کناری بنی‌صدر در کشور حکمفرما شده بود، در سپیده دمی خونین او را به جوشه اعدام سپردند. آنها تلاش داشتند با پرونده سازی و استناد به اتهاماتی بی‌اساس و اعدام سعادتی و نیروهای و قوادار به آماجهای انقلاب مرعوب کرده و از ادامه راه خود بازشان دارند.

قشربون مرتجع و راستگرایان، امروز نیز این شیوه و حربه رنگ زده و رد یلانه را علیه کلیه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک بکار می‌گیرند، ولی اگر آنها به رسوائی و شکست نهائی بکاربردگان چنین شیوه‌ها و حربه‌هایی واقف نیستند، تساریخ این را نشان داده و نشانشان خواهد داد.

ما ضمن بزرگداشت خاطره شهید سعادتی و همه نیروهای ضد امپریالیست و قوادار به اهداف انقلاب مردمی ۲۲ بهمن - با هر گرایش عقیدتی و ایدئولوژیکی - دعوت میکنیم، که با تشکیل جنبه متحد خلق در جهت بسیج همه نیروها علیه توطئه راستگرایان و قشربون مرتجع در به شکست کشاندن انقلاب شکوهمند مردم میهن، اقدام نمایند.

جبهه متحد خلق: تاکتیک...

بقیه از صفحه ۶

شرکت کننده در جبهه متحد خلق را نمی توان از پیش شرط شرکت در جبهه متحد خلق قرار داد. انقلاب خود رهبر خویش را برمیگزیند.

البته در جریان رشد و گسترش انقلاب ممکن است حالتی پیش بیاید که در آن اجرای برنامه انقلاب جز با پذیرش و تقویت حاکمیت این یا آن نیروی انقلابی ممکن نباشد. اما این نیز امری نیست که یکی از نیروهای جبهه متحد خلق به قیومیت مردم در مورد آن تصمیم بگیرد. خلق خود در جریان کار و بیگار تصمیم خود را خواهد گرفت و نیروهای وفادار به خلق ناگزیر از پذیرش آن خواهند بود.

برای نمونه در انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران رهبر برنامه مورد توافق همه نیروهای انقلابی راستین از آغاز، سرنگون کردن رژیم جنایتکار سلطنتی، قطع وابستگی ایران به امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، پایان دادن به غارت سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ، تأمین آزادی همه نیروهای انقلابی و پیشرفت جامعه به سود زحمتکشان بوده و هست. این برنامه بیانگر منافع اکثریت قاطع خلق های ایران است....

در انقلاب های سوسیالیستی، که در آن ها خواست و برنامه مشترک اکثریت قاطع خلق، ساختمان سوسیالیسم با رهبری حزب پیشاهنگ طبقه کارگر است، باز هم تاکتیک سبادی پیروان سوسیالیسم علمی تشکیل جبهه متحد خلق است. شرط اساسی شرکت در جبهه متحد خلق پذیرش برنامه و آرمان مشترک خلق است. پذیرش رهبری حزب کمونیست نیز تابع همان قانونمندی عام است. همه نیروهای که این شرایط قانونمند را بشناسند

و بپذیرند، می توانند با شرکت در جبهه متحد خلق آزادانه به ساختمان سوسیالیسم و اجرای برنامه انقلاب بپردازند.

تجربه شصت ساله سوسیالیسم واقعا موجود خود بهترین شاهد این مدعا است. در نخستین دولتی که پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت به رهبری لنین در روسیه انقلابی بر سر کار آمد، "سوسیال - رولوسیونر - های چپ" نیز که در آن زمان خود را هنوز در اجرای برنامه انقلاب متعهد می دیدند، در دولت انقلابی شرکت داشتند و تنها زمانی کنار گذاشته شدند که علیه برنامه و رهبری مورد قبول خلق توطئه کردند. امروز میلیون ها مسلمان انقلابی در کنار میلیون ها مسیحی انقلابی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آزادانه و فعالانه برنامه انقلاب را، که منافع خلق شوروی را تأمین می کند، اجرا می کنند.

دموکراسی های خلقی اروپا را همه ها دولت های ائتلافی خلق اداره می کنند. مثلا در جمهوری دموکراتیک آلمان، رهبران چهار حزب غیر کمونیست - که یکی از آن ها حزب دموکرات مسیحی است - معاونان رئیس شورای دولتی (رئیس جمهور) هستند.

در این کشورها جبهه متحد خلق به شکل ویژه ای مراحل مختلف انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی را به هم پیوند زده است.

برای پیروان راستین سوسیالیسم علمی، کوشش در راه تشکیل جبهه متحد خلق، یک تاکتیک کوتاه مدت نیست، تاکتیکی است که ابصار استراتژیک دارد. کوشش حزب توده ایران در راه تأمین اتحاد همه نیروهای انقلابی به امروز و فردای انقلاب محدود نمی شود. ما شک نداریم که می توانیم با بخش عظیمی از پیروان اسلام راستین انقلابی، اسلام مستضعفان و استثمارشوندگان، در دوران ساختمان سوسیالیسم نیز اتحاد صمیمانه و استوار خویش را حفظ کنیم....

نکاتی چند پیرامون تجارب انقلاب شیلی

بقیه از صفحه ۵

هر چند نمی توان نادیده گرفت، که تمام احزاب اونید ادپوولار در تدارک پیروزی سال ۱۹۷۰ و تحکیم دولت آئنده سهیم بودند، اما این نیز غیر قابل انکار است که حزب کمونیست شیلی مبتکر انقلاب شیلی بوده است. حزب ما سالیان دراز بطور خستگی ناپذیر برای وحدت همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد اولیگارشی پیرامون طبقه کارگر مبارزه نمود و بر لزوم اجرای سریع تحولات انقلابی تأکید نموده است. حزب کمونیست خصلت انقلاب و سیاست وحدت رایه گونه ای صحیح تدوین نمود. حزب ما به هنگام پیاده کردن این خط سیاسی، که صحت خویش را در عمل به اثبات رسانده بود، بطور پیگیر از سوی با چپ روها، که این سیاست را مورد تردید قرار داده و جبهه متحد را رد میکردند و از سوی دیگر بر علیه نیروهای راستی که خط سازش با دشمن را در پیش گرفته بودند، مبارزه می نمود.

حزب کمونیست معتقد بود، که تنها با تحکیم صفوف خویش و گسترش نفوذ در میان توده ها قادر به انجام رسالت خویش بعنوان پیشاهنگ طبقه کارگر نبوده، بلکه باید راههایی برای تفاهم با سوسیالیست ها و دیگر احزاب اونید ادپوولار را نیز پیدا کرد.

خصوصیات انقلاب و قانونمندیهای عام

تجربه انقلاب شیلی با وجود ویژگی های خاص خود (که مانند هر انقلاب دیگر محدود نیست

مشغول تبلیغ در میان نیروهای نظامی بود ه است.

انسان از اشتباهات می آموزد. حزب ما نیز مانند دیگر احزاب اونید ادپوولار در سهای فراوانی از این انقلاب فرا گرفته است. طبقه کارگر و مردم شیلی از این تجارب و نیز از تجارب دیگر احزاب و خلقها آموخته و خواهد آموخت و تئوری انقلابی را کسب خواهد کرد.

چرا خلق شیلی به پیروزی ایمان دارد؟

ما نم فقط در گذشته از پشتیبانی بی حد و مرز اتحاد شوروی در اردوگاه سوسیالیسم برخوردار بودیم، بلکه امروز نیز آنها از نزدیک لمس میکنیم. جنبش همبستگی با مردم شیلی در تمام قاره ها شگوفان شده و در آن نیروهای وسیع دموکراتیک شرکت میکنند. در سالهایی که در شیلی خفقان وحشتناکی حکمفرما بود، تحولات عمیقی چون پیروزی خلقهای ویتنام، آنگولا، شکست حکومت های دیکتاتوری در پرتغال، یونان و اسپانیا و نیز فروپاشی مستعمرات پرتغال بوقوع پیوسته است. تمام اینها اهمیت تأثیر نقش اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و منتشر ناسیونالیسم پرولتری و همبستگی بین المللی را فراهم ساخته است. این تحولات نشان دادند که جهان در جهت تکامل و نه در جهت رجعت، تحول پیدا می کند.

ایمان راسخ خلق شیلی به پیروزی، بر این مبنا و در درجه اول بر مبارزه خویش استوار است. خلق ما فاشیسم را در هم شکسته و نظام نوین دموکراتیکی را بنا خواهد نهاد و از نو راه گذار به سوسیالیسم را که با ریاست جمهوری آئنده به درگاه آن پا نهاد، ادامه خواهد داد.

نیست) نمیتواند هیچکدام از آموزشهای اساسی مارکسیسم - لنینیسم را زیر علامت سؤال قرار دهد. برعکس، آنها با تجربیات ما تأیید شدند. تحلیل دقیق و همه جانبه روند انقلاب شیلی در مجموع نشان میدهد که قانونمند پیمای انقلابها حقانیت خویش را حفظ میکنند. پیروزی های ما در درجه اول، نتیجه توجه به این قانونمند پیمایا، و شکستهای ما نیز نتیجه عدم درک خصوصیات خاص انقلاب و توجه نکردن به آن بوده است.

کمته مرکزی حزب کمونیست شیلی اشتباهات و نارساییها را بررسی کرده و بخصوص بر د و اشتباه تأکید نموده است:

اولا - حزب ما، که خط سیاسی خود را برای روند اولیه دستیابی به قدرت سیاسی و مرحله اول فعالیت دولت خلقی به درستی تدوین کرده بود، نتوانست برای تصرف کامل قدرت و گذار انقلاب به مرحله بعدی، که امکان فرا روی به سوسیالیسم را فراهم میکرد، به وقت سیاست لازم را تدوین نماید؛

ثانیا - حزب ما سیاست مناسبی در مورد نیرو های نظامی تدوین نکرده بود.

ما می بایست با کار پیگیر خویش تصورات غلطی را که در مورد طبقه کارگر و اونید ادپوولار، در نیرو های نظامی وجود داشتند از بین برد و امکان ترویج بی خدشه اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم در بین توده های مردم را فراهم می ساختیم. باید اعتراف کنیم که دشمن در این میان بطور پیگیر



سیاست بانرمنش و سازنده

در مرکز مطبوعاتی وزارت امور خارجه اتحاد شوروی يك کنفرانس مطبوعاتی پیرامون مسئله محدود کردن جنگ افزارهای هسته‌ای در اروپا تشکیل شد. گنرگی کرنیکو، معاون وزارت امور خارجه اتحاد شوروی، در آغاز این کنفرانس چنین گفت:

"روز ششم سپتامبر در ژنودور تازه گفتگوها میان اتحاد شوروی و آمریکا آغاز گردید. این بطور ساده يك دور جدید از گفتگوها نیست، بلکه باید آنرا دور سرنوشت ساز نامید. اگر توافق میان طرفین حاصل نشود، مرحله تازه خطرناکی از سابقه تسلیحاتی هسته‌ای در اروپا آغاز خواهد شد که به اروپا هم محدود نخواهد ماند. دستیابی به يك موافقت نامه یا شکست مذاکرات وابسته به موضعگیری ایالات متحده آمریکا است. اتحاد شوروی همچنان برای پاک کردن واقعی اروپا از وجود سلاحهای هسته‌ای آماده است. اگر دولت آمریکا با این راحل موافقت نکند، اتحاد شوروی آماده است که راه حل کمتر بنیادی ولی بهتر حال با دورنمای اختراع و توسعه از استقرار سلاحهای تازه هسته‌ای در اروپا را بپذیرد. روشن است که در هر دو حالت باید تمام سیستم‌های موجود، هم موشک و هم هواپیماهای حامل سلاح هسته‌ای و تعداد انکلاک‌های اتمی که حمل می‌کنند در حساب وارد شود."

رد کردن چنین پیشنهادهایی که بر پایه برابری یکسانی امنیت و طرف تهیه شده تنها از جانب کسانی می‌تواند باشد که بطور کلی

پایان کار بگین

خواهان بستن قرارداد نیستند. شش سال پیش مناخیم بگین با وعده‌های "صلح" و "رواق اقتصادی" به نخست‌وزیری اسرائیل رسیده بود. امروز با وجود بحران اقتصادی و سیاسی‌ای که اسرائیل را فرا گرفته، استعفاي او تحت فشار افکار عمومی اسرائیل، تعبیری ندارد جز شکست آن وعده‌های بیچ.

پیرطبق آمار "انستیتوی ملی بیمه" در اسرائیل تعداد کسانی که زیر مرز فقر مزمن زندگی می‌کنند در دوران حکومت بگین دو برابر شده است. تورم به ۱۴۰ درصد رسیده و تسراز منفی واردات و صادرات از مرز ۵ میلیارد دلار هم گذشته است.

و اینکه پس از شش سال حکومت، که طی آن مردم اسرائیل تحت سخت‌ترین شرایط و آزمایش‌ها قرار گرفتند، مناخیم بگین خسته و بی‌ایمان و بدون هر گونه علاقه به زندگی سیاسی استعفا داد.

بگین که میبایست استعفاي خود را شخصا به رئیس‌جمهوری بدهد، این سنت را نیز زیر پا گذاشت و یکی از منشی‌های دولت را مأمور ارائه آن کرد!

استعفاي بگین بوضع نامطمئنی که از ۱۸ روز پیش از آن پیرامون مسئله دولت او مطرح شده بود پایان داد. مناخیم بگین پس از اینهمه جنایت علیه خلق عرب فلسطین یا یاس و نومییدی بگوشه‌های خزینده ولی صهیونیست‌های همکار امپریالیسم آمریکاز قبیل اسحاق شامیر، که اکنون جانشین بگین شده است، همچنان به سیاست نژاد پرستانه خود، که نه تنها خلق‌های عرب پیروزه خلق عرب فلسطین، بلکه خود اهالی اسرائیل را هم تهدید می‌کند، ادامه می‌دهند. اصلا پایان کار جنایتکاران جز سرخوردگی و نومییدی چیز دیگری نخواهد بود.

تجاوز و توسعه طلبی آمریکا دیگر حدود مرزی نمی‌شناسد

بقیه از صفحه ۷
ندارد. بخصوص که دستگاه اداری ریگان همواره دمشق را مانع عمده بر سر راه تحقق نقشه‌های سیاسی - نظامی آمریکا در منطقه ارزیابی می‌کرده است.

لبنان قربانی تحقق نقشه‌های آمریکا برای نفوذ و استقرار در خاور نزدیک شده است. تجاوز اسرائیل در سال گذشته که دهها هزار تن فلسطینی و لبنانی قربانی آن شدند با تأیید و همکاری نزدیک آمریکا صورت پذیرفت. این تجاوز، راه را برای اعزام سربازان آمریکایی به لبنان گشود. هجوم اسرائیل به لبنان عملاً به تبدیل این کشور به پایگاه نظامی آمریکا در منطقه و سرلی برای عملیات تجلوزی تازه علیه کشورهای عربی و خفه کردن جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در آنها کمک کرد. بی‌جهت نیست که آتش‌تپه‌های آمریکایی بروی مین پستان لبنان گشوده شده است در حالیکه موافق نظر مسورو نخست‌وزیر فرانسه چنین چیزی در مأموریت نیروهای چند ملیتی وجود ندارد که جانب یکی یا دیگری را در جنگ داخلی لبنان بگیرند.

تجاوز انضمام طلبانه آمریکا در خاور نزدیک اکنون يك واقعیت است که بر اثر آن نه تنها آینده لبنان بعنوان يك دولت مستقل دارای حق حاکمیت بخطر افتاده، بلکه تشنج در منطقه را نیز بنحو خطرناکی افزایش داده است.

مردم لبنان قریب این تبلیغات مشکوک را نخواهند خورد!

بقیه از صفحه ۷
روز، نابود کردن همه بسند یکاهای کارگسری و اتحادیه‌های دهقانی، بازگشت مجدد سرمایه‌داران دوران شاه‌محو فرهنگ و هنر ملی ایران، همه و همه عملی شده است و کشور را تبدیل به يك قبرستان بزرگ کرده‌اند. البته اگر سوسیالیست‌ها و کمونیست‌های لبنان قریب اینگونه تبلیغات امپریالیستی توسط رسانه‌های گروهی حاکمیت ایران را می‌خورند، نه وحدت مردم لبنان لطمه وارد میشد. ولی نیروهای مترقی که پیش نیستند و علمی و طبقاتی فکر می‌کنند، آنان می‌دانند آنچه که انقلاب ایران را رویه شکست‌پرد مسئله اسلام و غیر اسلام نیست، بلکه عمال سرمایه‌داران بزرگ و کلان زمین‌داران و مأموران سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی با ریش گذاشتن و تسبیح بدست گرفتن مانع از آن شدند که انقلاب شکوهمند بهمین تبدیلی به يك انقلاب اجتماعی شود و بدین ترتیب آنرا بنام "اسلام" مسخ و خفه کردند. بخصوص که همین حاکمیت باصطلاح ضد "شیطان بزرگ" در جنگ اعلام

نشده علیه افغانستان دست در دست آمریکا - لیسم آمریکا دارد و شب و روز در "صدای جمهوری اسلامی" دم از پیروز پهای مجاهدان افغانی (یعنی مأموران "سیا" و مزدوران خود فروخته به ارتجاع و استعمار) میزند.

پس آنچه که در ایران اتفاق افتاده ناشی از عقاید اسلامی توده‌های مردم نیست، بلکه وابستگی‌های طبقاتی حاکمیت جمهوری به طبقات فارتگرو پهره‌کش موجب آن شده است. مردم لبنان اعم از مذهبی و غیر مذهبی، مسلمان و غیر مسلمان، شیعه و سنی، سوسیالیست و کمونیست می‌توانند دست در دست هم با دشمن خارجی بچنگند. تنها باید مواظب باشند که عمال کهنه و نوی امپریالیسم که سالهای سال در آب‌نک خوابانده شده‌اند و چه بسا ردای روحانیت بدوش دارند، موش‌درو آشنیند ازند و خود را شریک جا نزنند!

کمک مالی به

حزب توده ایران،

یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در

لوس آنجلس

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را

تأمین کردند

۱۲۵ دلار

کیا از آمریکا

RAHE TUDEH

No. 60

Friday, 23 Sept. 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
France	Fr. U.S.A.	40	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

